

در صفحات دیگر این شماره:

- اخراج معلمین انقلابی، خدمت به امپریالیسم و مقابله با آگاهی نوده هاست صفحه ۱۵
- راه رشد غیرسرمایه داری عراق، سلاح های شوروی و فضاخت روزیونیستها صفحه ۶
- رزمندگان و مسئله روزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۶) صفحه ۱۳
- باجشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۵) صفحه ۵
- نقد فیلم مبارزین باسک : روزیونیسیم علیه آوانتوریسم صفحه ۲۱
- آمریکا به خلقهای منطقه جنگ و دندان نشان میدهد، اما... صفحه ۱۱

جنگ ایران و عراق فرصتی طلائی برای تحکیم ضد انقلاب وسرکوب انقلاب

جنگی ضد خلقی بین ایران و عراق در گرفته است و آثار آن در پهنه های مختلف و از جنبه های متعدد قابل بررسی است. در این جنگ غیر عادلانه رژیم ستمگر جمهوری اسلامی میکشد تا در جهت تحکیم موقعیت خود بیشترین بهره گیریها را بنماید. بموازات این جنگ تبلیغ شوینیسیم در میان توده های ناآگاه و متزلزل و جلب آنان بسوی خود تقویت ارتش شاهنشاهی و سرکوب انقلاب از جمله اهدافی است که رژیم تعقیب میکند. رژیم جمهوری اسلامی به این موقعیت بمشابه یک "موقعیت طلائی" می نگرد:

بقیه در صفحه ۲۰

جنگ غیر عادلانه و ارتجاعی ایران و عراق و تاکتیک کمونیستها



با مبارزان فرودگاههای ایران توسط نیروی هوایی رژیم ارتجاعی عراق در ۳۱ شهریورماه درگیری های مرزی در کشور وارد یک مرحله از جنگ آشکار و تمام عیار کردید. هردو رژیم با استفاده از نیروهای هوایی، دریایی و زمینی به خاک یکدیگر حمله کرده و علاوه بر آنکه تاسیسات نظامی و نفتی یکدیگر ضربه وارد می آوردند، خانه های زخمگستان را با خاک یکسان کرده و سبب قتل و کشتار جمعی توده ها میشوند. بعلاوه از هم اکنون آثار کمبود ارزاق و سوخت و گرانی در ایران تشدید شده و پسند و شک وضع مشابهی در عراق نیز حکمفرماست.

بقیه در صفحه ۲

خطاب به کلیه رفقا، اعضا و هواداران سازمان! «در رابطه با جنگ ایران و عراق»

صفحه ۱۲



ادامه
اطلاعیه وحدت

صفحه ۹

مبارزات کارگران کارخانه عبیدی و عملکرد فدائیان (اکثریت)

صفحه ۳

اعتصاب کارگری در آلمان شرقی جلوه ای دیگر از مبارزه طبقاتی در اروپای شرقی

صفحه ۶

تعطیلی دانشگاه نشانه وحشت از آگاهی نوده هاست

صفحه ۷

موضع مادر قبال جنگ ایران و عراق

ماهیت جنگ ایران
و عراق چیست؟

صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

موضع مادر قبال جنگ ایران و عراق

ماهیت جنگ ایران و عراق چیست؟

- جنگ ایران و عراق جنگی است در ادا مه‌سیاست‌های ارتجاعی و در کبریهای گذشته میان دو کشور، در ابعاد وسیع و گسترده‌تر!
- جنگ ایران و عراق جنگی است میان دو رژیم ارتجاعی و در جهت تامین منافع سرمایه‌داران دو کشور و به نفع امپریالیسم و سرمایه‌داری جهانی و حفظ سلطه آنها بر علیه منافع خلقهای ایران و عراق!
- جنگ ایران و عراق، جنگی است در مقابل جنبش انقلابی هر دو کشور ایران و عراق در جهت تحمیل و منحرف کردن توجه سوده‌های خلق هر دو کشور از انقلاب و مبارزه بر علیه رژیم‌های "خودی"!
- جنگ ایران و عراق، جنگی است تجا و زکارانه، ارتجاعی، غیرعادلانه و ضد مردمی، و این که کدما میک از این دو رژیم، در کبری و جنگ فعلی را آغاز کرده است، سنجیری در ما هیت این جنگ نمی دهد!

هدف رژیم‌های ایران و عراق از این جنگ چیست؟

- هدف رژیم‌ها نیستی عراق از این جنگ، جا مه عمل پوئانیدن به آرزوهای استیلا طلبانه و توسعه طلبانه بورژوازی خویش، تضمین کردن خوزستان به عراق و کنترل خلیج فارس و شیخ نشینهای آن است.
- هدف رژیم‌های ایران، استیلا از این جنگ با اصطلاح "انقلاب اسلامی" به عراق و حمایت از جنبشهای ارتجاعی این کشور نظیر "حرکت آزادی" و "زنگ زمان بیکار اسلامی عراق" است.
- هدف عمومی رژیم‌های ایران و عراق، از این جنگ، تحمیل توده‌های هر دو کشور، منحرف ساختن مبارزات آنها از انقلاب و مبارزه برای تکلیف رژیم‌های خودی، سرکوب و بنا بودی جنبش انقلابی و کمونیستی هر دو کشور، تامین منافع سرمایه‌داران و ادا مه‌سیاست‌های ارتجاعی و کبریهای هر دو کشور و سلطه امپریالیسم جهانی، ادا ختن سوده‌ها به جان یکدیگر و اسفاده از آنها بعنوان گوشت دم‌توب می باشد!

شعارها و وظایف

- محکوم ساختن جنگ تجا و زکارانه و ارتجاعی هر دو رژیم ایران و عراق
- توضیح واضحی از وظیفه‌های امپریالیسم، هدفها و بهره‌برداریهایی که هر یک از دو رژیم ایران و عراق از این جنگ در نظر دارند.
- کار توضیحی واضحی در میان توده‌ها راجع به عدم شرکت آنها در این جنگ تجا و زکارانه و ارتجاعی
- افشای همه‌جانبه‌شوی و تبلیغات ارتجاعی و تبلیغاتی‌ها و تبلیغاتی‌ها و تبلیغاتی‌ها "میهن پرستی" و "دفاع از میهن"
- افشای همه‌جانبه‌شوی و تبلیغات که با فریب توده‌ها تحت عنوان "میهن پرستی" و تبلیغات بورژوازی را دامن زده و توده‌ها را بدینا ل بورژوازی می کشاند.
- کسب آگاهی و تدابیر سیاسی نظامی برای تبدیل جنگ ارتجاعی میان دو رژیم ایران و عراق به جنگ دایلی.

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم کنیم!

جنگ تحمیلی ارتجاعی را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

مستحکم باد اتحاد و همبستگی پروتاریا و خلقهای ایران و عراق بر علیه بورژوازی هر دو کشور!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱ علامه شماره ۹۸ ۱۳۵۹/۷/۲

دارد کدما این جنگ را به پیش می برد.

اکریسات رژیم‌های یعنی عراق و جمهوری اسلامی ایران را مورد سرخورد قرار دهیم، متوجه میشویم که هر یک از این رژیم‌ها ما هیت ارتجاعی بوده و در طول حیات خود جز منافع سیاسی و اقتصادی بر توده‌ها و سرکوب جنبش و انقلاب توده‌ها و خدمت به منافع سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها کار دیگری انجام نداده‌اند از هنگام تاسیس رژیم جمهوری اسلامی در ایران، هر دو رژیم نسبت به خلقهای یکدیگر یک سیاست توسعه‌طلبانه را به پیش برده، یکی به اسم "دفاع از خلق عرب خوزستان" و دیگری به اسم "مدور انقلاب اسلامی" سعی کرده‌اند سوده‌های دو کشور را به جان یکدیگر ادا ختن و بغیه در صفحه ۱۲

سخن‌گاری از معرفت نمیتواند بفهمد که جنگ ادا مه‌سیاست است. در نتیجه خود را به ادا یسین فرمول محدود میکند که "دشمن شما حمله کرده است"، "دشمن به کشور من هجوم آورده است" بدون اینکه بسا ندیند که چه موموعاتی در جنگ مطرح است، کدما طبقات با این جنگ دست زده اند و بسا منظور - های سیاسی ای - (النسن - کاریکاتوری از مارکسیسم و کونوسیمم امپریالیستی - مجموعه آثار، جلد ۲۳ صفحه ۲۴)

(صفحات ۳ و ۴ کتاب "تجا، قولیانی از النسن در باره مسائل جنگ" از سازمان بیکار ...)

آری، "جنگ ادا مه‌سیاست از راههای دیگر است" در نتیجه سرست هر جنگ بسکی به سرست دولت و طبقه‌ای

بقیه از صفحه ۱ جنگ غیرعادلانه ...

هر یک از رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق می-کوشند تا شروع حمله را به طرف مقابل نسبت داده و بدینگونه خود را در مقام یک مدافع بیگناه جلوه دهند. رژیم یعنی عراق، رژیم جمهوری اسلامی را شروع کننده جنگ میدانند و معتقد است که رژیم ایران با دخالت در امور داخلی آن کشور و شیوع شیطان عراق به سوری علیه حکومت، آنها را شروع کرده است. در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، کما را بگردن رژیم "کافر" ادا م - حسین ادا ختنه و سرمایه‌داران هوآشی ۳۱ شهریور را تا هدمیا ورد.

اینکه کدما میک از طرفین، شروع کننده جنگ بوده است، به هیچ عنوان ما هیت این جنگ را روشن نمیکند بلکه دقیقاً این ما هیت رژیم و محملت طبقاتی آن است که ما هیت این جنگ را روشن میسازد.

● رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق از طریق این جنگ نه تنها میکوشند منافع ارتجاعی خود را در منطقه تامین نمایند، بلکه علاوه بر این و مهمتر از آن میکوشند تا بسویله ایجاد این جنگ ضد انقلابی، با مبارزات انقلابی در هر دو کشور به مقابله برخیزند.

النسن در این باره چنین میگوید:

جنگ ادا مه‌سیاست از راههای دیگر است، تمام جنگها از سیستم‌های سیاسی که آنها را بوجود می-آورند جدا می‌شوند تا پذیرفته شوند. سیاستی که یک دولت معین، یک طبقه معین در آن دولت برای مدتی طولانی قبل از جنگ تعقیب میکرد، بسا گزیر توسط همان طبقه در دوران جنگ ادا مه پیدا میکند و تنها شکل عمل تغییر می نماید. (مجموعه آثار جلد ۲۴، صفحات ۲۰۰ - ۲۹۹)

● شعاری که امروزه تمام نیروهای انقلابی و در رأس آنها کمونیست‌ها باید انتخاب کرده و به میان توده‌های مردم ببرند، شعار تحریم این جنگ تحمیلی و ارتجاعی و تبدیل آن به یک جنگ عادلانه علیه رژیم‌های ارتجاعی در گریز جنگ و در منطقه است.

و در جای دیگری تذکر می‌دهد که:

"پس چگونه میتوانیم "جوهر" یک جنگ را آشکار و تعریف کنیم؟ جنگ ادا مه‌سیاست است. نتیجتاً با بستنی که سیاستی را که پیش از جنگ تعقیب نده امتحان کنیم. همان سیاستی که منجر به جنگ گردید و آنرا بوجود آورد. اگر که آن یک سیاست امپریالیستی بود، یعنی سیاستی که بسا ی حفاظت از منافع سرمایه‌داری و جیا ول و بر سر سلطه در آوردن مستعمره‌ها و کشورهای خارجی طراحی شده بود - آنکه جنگی که از این سیاست ریشه می‌گیرد امپریالیستی است. اگر که آن یک سیاست آزادی بخش ملی بود - یعنی سیاستی که بسا نگر حرکت توده‌ای بر علیه تحت سلطه بودن ملی بود - آنکه جنگی که از این سیاست ریشه میکند یک جنگ آزادی بخش ملی است.

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را

محکوم می‌کنیم!

جنبش کارگری



مبارزات کارگران کارخانه عیبدی و عملکرد فدائیان (اکثریت)

رفقا! آنچه در زیر میخوانید، نمونه‌ای از عملکرد - های فدکا رگری و ضدا انقلابی رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) در کارخانه عیبدی است. این گزارش نشان دهنده آنست که چگونه رویزیونیستهای فدائی در عمل نیز کمربست برای خدمت به بورژوازی بسته‌اند و چگونه نه فقط در عرصه سیاست، بلکه در عمل خویش نیز به دشمن طبقه کارگری و نیروهای انقلابی تبدیل گشته‌اند.

رفقا! ما با بدنه فقط تئوری سیاست، بلکه عملکردهای سازشکارانه، ضدا انقلابی و غاشنا نه نیرو- های سیاسی ای را که پشت به انقلاب کرده‌اند، در نزد توده‌ها افشا نمائیم و توده‌ها را از زیر نفوذ آنان بیرون کشیم.

رفقا! بمنظور افشای هر چه بیشتر نیروهای غاش سازشکار و متمول، بمنظور آنکه ما بتوانیم اطلاع جامعه‌تری از عملکرد نیروهای سیاسی گوناگون در کارخانه‌ها، مدارس، محلات، مدارس، دانشگاهها، خودمان را در برابر آنها تعیین کنیم، لازم است که کلیه رفقا، گزارش‌های خود را از فعالیت این نیروها در کارخانه‌ها، روستاها، محلات، مدارس، دانشگاهها، ادارات و... داشته‌باشیم و بتوانیم آنها را شناسایی کنیم. در این میان و در همین رابطه، افشای رویزیونیستهای فدائیی (اکثریت) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که بخش وسیعی از توده‌های آگاه هنوز نسبت به آنان توهم دارند که با بدنه‌شان را شکست.

تا کیدما اینست که کلیه رفقا در فاصله سه هفته و بنشاید یک و طیفه‌های تشکیلانی، گزارشات و اخبار خود را از فعالیت و عملکرد نیروهای سیاسی و سوسیال فدا شیان (اکثریت) در محیط کار و فعالیت خودشان، ارسال دارند.

عملکردهای رویزیونیستی فدائیان (اکثریت) در کارخانه عیبدی



۴۴ ساعت کار در هفته، لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها، توطئه دیگر رژیم علیه کارگران

کارگران مبارز!
و طیفه ما در این میان و در مقابل این توطئه‌ها و حرکات فدکا رگری چیست؟ و طیفه ما این است که سیاستهای فدکا رگری رژیم را کم‌و‌کم و جمله همین سیاست فدکا رگری اخیرا در مورد لغو تعطیلی ۴ روز در هفته افشا کرده و بقیه کارگران را که نسبت به این سیاستها واقفند، فدکا رگری ما آگاه هستند، آگاه گردانیم همه شما تا هدیه بدهید برای مقابله با این سیاست ضد کارگری طوماری از امضا‌های کارگران جمع آوری شد ولی از اول معلوم بود که این طومار که سهل است اگر صد برابر آن هم جمع آوری شود دردی را دوا نخواهد کرد و لذا با بدنه‌ها از اول آنرا افشا می‌کردیم و بکارگران نشان میدادیم که ما فقط از یک راه میتوانیم بخوابیم - ما همان برسیم و آن اتحاد و همبستگی کارگران است و پس با بدنه‌ها کارگران نشان دهم که برای ایستادن در برابر این توطئه‌ها و اقدامات فدکا رگری حامیان رنگارنگ سرمایه و برگرفتن حقوق خود به چیزی بالاتر از امضا کردن احتجاج یا دریم‌گه‌ان همدانشن بسک تشکیلات مستقل و قدرتمند کارگری است که در چنین مواقعی از حقوق حقه ما کارگران دفاع نماید. و این تشکیلات چیزی بجز شورای واقعی کارگری نمیشد که ما با بسنی در جهت ایجاد آن حرکت نمائیم و بسوزم تشکیل آن را برای سار همکاران خودشان دهم و روشن سازیم که با داشتن این شورای واقعی است که ما نمیکاریم به این سادگی دستا وردهای با ارزشی را که حاصل چندین سال مبارزه ما است، از دستمان درآوردند.

در رابطه با افزایش ساعت کار از ۴۰ ساعت در هفته به ۴۴ ساعت و لغو تعطیل پنجشنبه‌ها، کارگران مبارز مجتمع صنایع فولاد اهواز اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند که قسمتهاش از آن در زیر درج میشود:
پریروز آنحال شورا‌های واقعی کارگری، دیروز لغو سود ویژه کارگران و اخراج و دستگیری کارگران مبارز، امروز افزایش ساعت کار و لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها و فردا...؟؟

کارگران مبارز!
همانطور که تا هدهستیم رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سیاستهای فدکا رگری خود نظیر آنحال شورا‌های واقعی، لغو سود ویژه کارگران، اخراج و دستگیری کارگران مبارز و... اقدام به افزایش ساعت کار از ۴۰ ساعت در هفته به ۴۴ ساعت در هفته و لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها نموده و از این طریق یک بار دیگر در عمل نشان داد که اگر در حرف و تبلیغات طرفدار "مستغفین" است، در عمل دشمن کارگران و مدافع سرمایه‌داران را لولوفت است.

در این رابطه اخیرا تا هدهستیم که چگونه عمال رژیم جمهوری اسلامی در اهواز برای اجرای این سیاست فدکا رگری خود به جنب و جوش افتادند و با صدور انواع اعلامیه‌های تهدیدآمیز به کارگران گفتند که اگر پنجشنبه‌ها برسرا کار نیا شد چنین و چنان خواهیم کرد... جناب طباطبائی حکم تشریح خورستان در اطلاعیه سرتاپا نیرنگ و فریب خود گوشیده است تا حق ۴۰ ساعت کار و روز تعطیلی در هفته را که با خون خود و طوماری مبارزات مستمر خود بدست آورده ایم، مساله‌ای در جهت تحکیم برنانه‌های رژیم غوثی بحساب آورد!! و بسا کودنی هر چه تا متر میگوید که دور روز تعطیلی در هفته عوام فریبی می‌باشد و هر کس بگوید دور روز تعطیلی در هفته "بیگانه‌پرستان" است و از این قبیل مزخرفات که دیگر گوشمان از بس آنها را در زمان شاه و جلاد رژیم جمهوری اسلامی شنیده‌است، به آنها عادت کرده‌است! برادران کارگر!

کسانی که دستشان پهنه نیست است و برای سیر کردن شکم و وسیع خود عرق نریخته‌اند و در شرایط طاقت فرسای خورستان روزانه بیش از ۱۰ ساعت کار بکرده‌اند و همواره زده‌ترنج دیگران خورده و شکمشان را گنده کرده‌اند طبیعی است که نمیتوانند بفهمند مسائل ما کارگران کدام است و دردم چیست و از اینرو با بدنه همدا بر ما به داران ما را با خرافات غاشنا - همان "فدا انقلابی" و "عامل بیگانه" خطاب کنند و...

بازگشایی کارخانه فیبر بلسر در سایه همبستگی کارگران مبارزان

بکار می‌نماید. جالب اینست که کارفرمای جدیدی که از طرف فرمانداری و ادارات رها بیل منصوب شده از عناصر فدکا رگری است که سال قبل کارگران مبارز او را بخاطر طرفداریش به رژیم مزدور شاه او عمل ضد کارگریش از کارخانه بیرون انداختند.
البته کارگران در سایه همبستگی و شکل خود موفق میشوند خواستهای خود را بصورت زیر بمورد اجرا درآوردند.
۱- کارفرما حق توهین و ناسزاگویی به کارگران را انداخته‌اند.
۲- کارگران بر تئولید کنترل و نظارت خواهند داشت.
بقیه در صفحه ۴

کارخانه فیبر بلسر از تاریخ ۵۹/۵/۵ با فرارهای اسلامی مدیران و بدنه‌ها دادن ۶ روز مرخصی اجباری به کارگران تعطیل شد. کارگران پس از گذشت ۱۴ روز متوجه توطئه شده و برای بازگشایی کارخانه شروع به فعالیت میکنند. آنها ابتدا شورای خود را تشکیل دادند و سپس با اتحاد همبستگی و همراهمان بسا مراجعات دستجمعی و بیپای به استانداری ما زندران فرمانداری و ادارات رها بیل و... موفق میشوند رژیم جمهوری اسلامی را وادار به تا مین مواد اولیه بسازند. گشایی مجدد کارخانه بنام بد.
و بدین ترتیب کارخانه از تاریخ ۵۹/۶/۲۰ شروع

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کمکهای مالی دریافت شده

ن	ک	ش	ج	آ
۶۸۱۰	۴۰۰۰۰	۱۲۹۵	۱۱۵۰۰	۱۶۲۰۰
۱۳۴۲۰	۴۸۱۰	۳۲۰۰	۱۰۸۰۰	۲۵۰۰
۲۳۰۰	۷۰۰۰	س	۹۸۰۰	۲۵۰۰۰
	۱۶۰۰۰	۲۰۲۰	س	۴۱۵۰
ه	ل	ط	ر	۲۰۰۰۰
۱۳۰۰۰	۳۰۰۰	۵۸۴۲۰	۶۹۰۰	۱۴۰۰
۷۲۰۰	م	ع	۴۲۰۰	۳۸۵۰
ی	۱۰۰۰۰	۶۰۰۰	۲۳۰۰	۸۷۰۰
۳۰۰۰	۲۲۶۵۰	۳۲۲۰	ز	۱۰۰۰۰
۲۴۰۰	۲۳۹۰	۳۰۰۰	ح	۳۰۰۰
	۷۰۰۰	ف	س	۲۱۰۰
	۱۸۰۰۰	۴۰۰۰	۱۳۰۰۰	۲۱۰۰
	۷۷۰۰	۱۱۴۰۰	۱۲۰۰۰	۲۵۰۰
	۲۹۱۰	۳۸۰۰	۲۲۰۰	۲۵۰۰
	۶۱۰۰	۳۳۰۰	۲۹۰۰	۳۰۰۰
	۳۶۲۰	ق	ش	
	۲۳۹۰	۲۱۲۰۰	۳۳۲۰	
			۳۰۰۰	

- ۱- رفیق کارگروادار سازمان در پلازا بنگاه جنوب مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید
- ۲- رفقای هوادار در نشانی های تهران کمک مالی شمارسید
- ۳- رفقای هوادار سازمان در جوادیه، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید
- ۴- رفیق هوادار سازمان در قم، مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید
- ۵- رفقای هوادار در شونه دشت (مازندران) مبلغ ۶۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید
- ۶- رفقای (ع-و) ش.ش. ۱۹۱۷) هدایای شمارسید
- ۷- رفقای هوادار سازمان در قم، مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید
- ۸- رفقای دانش آموزان سازمان در شیراز (رفقای کاک فواد) مبلغ ۵۵۰۰ ریال کمک مالی شمارسید
- ۹- رفقای دانش آموزان سازمان در شیراز مبلغ ۹۱۵۰ ریال کمک مالی شمارسید
- ۱۰- رفقای دانش آموزان سازمان در کرج مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید
- ۱۱- رفیق م هوادار سازمان در کاندآ، مبلغ ۷۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید
- ۱۲- رفیق هوادار سازمان در آمریکا، مبلغ ۱۲۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید
- ۱۳- رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در منچستر، مبلغ ۵۱۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید
- ۱۴- دهقانان انقلابی یکی از روستاهای نور، مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید
- ۱۵- پیوند با کارگران و چمنستان و جلب اعتماد آنها یکی از بهترین اهداف هر سازمان کمونیستی است. موارد زیر نمونه هایی از افتخار رفیقان ایرانی ایران نشان می دهد
- الف- یکی از رفقای کارگروادار سازمان با ارسال مبلغی بعنوان کمک مالی طی نامه کوتاهی خود نوشته است:
- ب- یکی از رفیقان خود را برای شما میفرستد تا در راه آگاهی و آزادی طبقه کارگر صرف شود
- ج- یکی از رفیقان سازمان ما در زندان با اهدای کوفته‌ای بعنوان کمک مالی، اعتماد خود را به سازمان نشان داد و تعهد انقلابی ما را بیشتر کرده است

۲- جلوگیری از حرکات انحرافی و سرخ کارگران همن اواخرینی اوایل سرما ۵۹ تعداد ۶ نفر از کارگران آسرخا به علت خسی کار بعد از رسیدن مباحثه برای گرفتن موی العاده دسترسیده - اعتصاب زدند. کارگران کارخانه آنها حمایت کردند ولی فداشان با طرح این مسئله که "در شرایط حاضر اعتصاب صحیح نیست" جلوی آنها ایستادند و در مقابل اعتراض آنها سعی در ترفیع آنها کردند. بطوریکه دو نفر فداشان گفتند که ما حاضریم در قسمت شما که کارش سختتر است بدون فوق العاده دستمزد کار کنیم و شما هم بجای ما کار کنید و به این ترتیب با ترفیع - اندازی حرکت آنها را عملاً به ناکت کشا بنده اند.

۳- شیوه برخورد به نیروهای انقلابی و کمونیست - شیوه برخورد آنها به ما بر نیروها (منتهای راه کارگر) طور است که ما عدالتاً فقط خود را جزو جنبش کمونیستی (!) قلمداد نمیکنیم و ما بر نیروها را خارج از جنبش ارزیابی می نمایم. فداشان قبلاً (قبل از انتشار کارگزار) عملاً این کار را در مورد سایر نیروهای سیاسی انجام داده اند. بویژه برخورد آنها به نیروهای تشکیل دهنده طیف ۳ بویژه پیکا را به اصطلاح "فاکری" است. این افشاگری بجای رسیده که رفقای ما از نظرات منبیتی در خطر جدی هستند.

۴- برخورد از بالا برای بوجود آوردن شکلات عمومی کارگران

فداشان برای بی پایه کردن و در واقع نابود کردن "شورای متحد" که تحت هژمونی آنها نبود از هیچ کاری دریغ نکردند. آنها تلاش کردند که از بالا "مجمع صنعتی غرب" را بوجود آورند و در مقابل "شورای متحد" قرار دهند. علیه "شورای متحد" از هرگونه سمپاتی فروگذار نکردند. اپورتونیزم راست در فداشان (اکثریت) آنچنان رشد کرده است که به قولی یکروزه ره مدعا له رفتند و در حال حاضر حرکت آنها در این کارخانه با خاستنی توده‌ای هیچگونه تفاهتی ندارد. برخورد فداشان (اکثریت) با ما بر زرات اخیر کارگران این کارخانه گویای ما بر زاین واقعیت است که ما ذیلاً به توضیح آن می پردازیم:

ادامه دارد

تأجیم به خوابگاه دانشجویان و تشدید یورش به دانشجویان، دانش آموزان

اوباشان و پاداران رژیم در هفته گذشته به خوابگاه دانشجویان تریبیت معلم حمله کرده و پس از در هم شکستن وسایل دانشجویان، بر تانک گاشک آور و اذیت و آزار دانشجویان، عده‌ای از آنها را دستگیر کرده، آنها را از خوابگاه میبرون می کنند. دادستانی فدا انقلاب نیز به پیغم خوابگاهها اخطا کرده است که از خانه‌های خود بیرون بیرون در غیرا بنصورت با حوادث مشابه رو برو خواهند شد. تداوم اخراج معلمین انقلابی در سایر ایران و سرگزاری راه همپاشی اول مهر برود دانش آموزان و معلمین انقلابی نشان میدهد که رژیم در این شرایط نیز بیشتر سعی خود را در سرکوب گددام نیروها بکار می برد.

مبارزات کارگران...

محور فعالیت فداشان در کارخانه عبیدی عبارت بود از: حرکت درجا رجوب فانوسی، مانعیت از حرکات انحرافی و سرخ کارگران، تشویق کارگران به کار ره چه بیشتر، به ما زش کتاندن مبارزات کارگران (در جریان تخمین و اعتصاب)، دفاع از مبدبر ولتسی و ترماندن کارگران از اینکه حرکات انحرافی باعث ریم کردن مدیریت میشوند...

اینان در تکمیل حرکت "پرولتری" خود انقبای نیروهای انقلابی درون کارخانه بویژه "پیکار"، عدم همکاری و مشورت در هسته دمکراتیک کارخانه (متکسل) از کلیه نیروهای م. ل. نامکرات (آر) در دستور قرار داده اند.

خط کار فداشان در این کارخانه قبل از انتشار "کار ۵۹" دقیقاً بر این خط انطباق داشت و حتی از نظر امنیتی رفقای ما مدتی است که از جانب آنها نگرانی دارند. همین حرکات باعث شده بود که ما با نگرانی زیادی در نشریه شماره ۲ کارخانه را منتشر کنیم که مورد استقبال کارگران قرار گرفت ولی موضعگیری آنها و در واقع انقبای رفقای ما (بطوریکه کارگران خیردار ندانند که این نشریه را چه کسی نشری آورند)، ما را از ادامه کار برای مدتی موقتاً منصرف نموده است. بطور خلاصه حرکات و شیوه برخورد فداشان در این کارخانه تقریباً هیچ تفاهتی با برخورد حزب نبوده خاستن نداشته است.

درماهای اخیر حرکت فداشان را در کارخانه حول چند محور با بدبر خورد نمود:

۱- بالا بردن بهره‌وری تولید - فداشان در این کارخانه قبل از انتشار "کار ۵۹" هرگونه حرکت انحرافی کارگران را محکوم می نمایند و جلوسوی آن می ایستند. آنها در قسمت های خود (میزهای کار) آنچنان به سختی کار می کنند که سرپرستان همسواره آنها را به ما بر کارگران نشان میدهند که "از اینها با دیگر برید!" و در این رابطه ما بر کارگران را نیز تشویق به کار هر چه بیشتر می نمایم. اخیراً آنها در این دامن زدن به رقابت در تولید تا جایی پیشرفتند که تولیدشان از یکی از میزهای که کارگران قدیمی روی آن کار می کنند و تا کنون در طول حیات کارخانه سابقه نداشته است که کسی بتواند از نظر سطح تولید به آنها برسد. جلوزده تدور کو در دیدی در تولید بدست آورده اند. این کار حتی از نظر روحی به آن کارگران قدیمی که رکورد خود را از دست داده اند تلطمه زده است. لازم میبند که در این کارخانه ما با شورائی وجود نداشته باشد، چه بر مبدبه شورائی واقعی که فداشان به پسین به ما نه ویرا ما با استدلال خودشان خواسته با شند به هر وری را بالا ببرند! در ضمن خود این فداشان و حرکتشای آنها در جا رجوبه های قانونی همواره بصورت یک مانع جدی برای ایجاد شورائی واقعی کارخانه بوده است.

بقیه از صفحه ۳ بازگشتی...
۳- مدیریت کارخانه حق اخراج و با استفاده م کارگر نداشته و اینگونه مورد عهده شورائی کارگران است. مستحکم با دپیوند کارگران کارخانه فبیرا بلسر

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

با چشم باز در افق خونین کردستان

خطرات يك سرباز (۵)

کيست که بتواند آن زندگي هائي را که بمباران ميشوند توصيف کند؟

۳ اردیبهشت

۳ روز است که صدای مهیب خمپاره - انداز و تیرباران گوش آدم را کر میکند. نهر در محاصره آتش است ولی قهرمانان مقاومت میکنند. ساعت ۴/۵ بعد از ظهر سه مأمور آمدند - با شتاب دادند. امروز صبح گردان هواپرد با تمام تجهیزات حرکت کرده بود و اینک نوبت ما بود. اینهمه قوا برای سرکوب خلفی که مسلحانه از حقوق خویش دفاع میکنند. تجهیز شده است. گروهان، گروهان آمادگی برای سرکوب میشوند.

با آرایش رزمی از پادگان خارج شدیم. به بالای تپه رفتیم. در حدود ده کیلومتری ما تپه بزرگی بود که میبایست بدانجا برویم. هنگامی که به تپه نزدیک شدیم، خمپاره ۸۱، توپ ۱۰۶، تیرباران ۷-۱۲ (کا لیمبره ۵) بگرا افتاد و با حداکثر قوا دادند. در آنجا قسمتی از خانه های شهر فرار داشت. اما جاهای همیشگی داشت. هدف کوبیدن بود.

پس از یک ساعت درگیری گروهانسی که در جلوی ما قرار داشت عقب نشینی کرد اما بالای تپه چند تن از افراد تیرخورده بودند. که به گروهان ما دستور کمک داده شد. اوضاع غریبی بود. هلیکوپترها و فانوسها بطور مداوم شهر را می کوبیدند. ستونهای آلوده در سرتاسر شهر چشم میخورد. شهر سوخته آتش. آیا کلمات میتوانند این وحشیگری را توصیف کنند؟! شهر آتش گرفته بود. اما کیست که بتواند آن زندگي هائي را که بمباران میشوند، توصیف کند؟...

یکی از هلیکوپترها در سطح پایینی حرکت میکرد و با شدت بر روی شهر رگبار میگردید. یک گلوله به آن اما بت گسرد. هلیکوپتر آهسته آهسته و سپس سرعست به پایین افتاد. دود غلیظی برخاست. شهر قهرماناننازهستی خود دفاع میکرد. تعدادی سربازان گروهان ما مأمور شدند تا به گروهانی که در جلوی ما قرار داشت کمک برسانند. بعد از چند لحظه به ما دستور دادند که به پادگان برگردیم باقی گروهان شب برگشت. ۳۰ سرباز کشته و ۴ نفر زخمی شده بودند. به علاوه تپه هم از دست رفته بود.



هنگام شب، در آستانه جنگ و لوله های برپا بود. چند تا از سربازان کریمه می گزیدند. بجای ترکش شدن دوستانشان انگ میریختند. آه. اگر آن درمی یافتند که قاتل واقعی رفقایشان نظامی است که برای منافع سرمایه، انسانها را قربانی میکند، انگ نمی ریختند و بجای آن قلبشان بر زلفت میشد. آنگاه باز هم می جنگیدند، اما جنگی عادلانه، برای ویران کردن نظام سرمایه داری. هسوا تا ریک شده بود که هلیکوپتری فرود آمد. بیش از صد نفر با سواران لباس ارتش از آن بیاید شدند. "الله اکبر" گویان بطرف آستانه ها میرفتند. به چهره های جوانان نگریستم. قطعا به آنها گفته بودند که جنگ با کفار میروند!

۴ اردیبهشت

دیگر به صدای مداوم سلاح های سنگین عادت کرده ایم. روزها از بی هم میگذرند و هر روز برای سربازان خاطرات ناخوش بجای میگذارد. ساعت ۵/۵ صبح بود که خبر از ورتندنگهان پارک موتور در آنجا بت ترکش خمپاره کشته شده است اورا می شناختم. از خانواده ای زحمکش از عشا بر شیراز زود و اینک عمر کوتاهی برز حمتش اینگونه بسر آمده بود.

امروز صبح زود پادگان را به داخل شهر رفته اند. پادگان حملاتش را دوباره شروع کرده است. تا نکجا پادگان را همراهی میکنند و فانتومها بیشتر مانده شهر را می کوبند و بمباران میکنند. هلیکوپترها رگبارهای سربازان را بر مردم فرو میبارند. ساعت ۱۱ خبر می آوردند که شهید است پادگان را افتتاح شده است و ارتش با بدیه کمک آنان برود. مسخره است! با آتش چیزی هم باقی مانده است که تصرفش افتخار آفرین باشد؟! سربازان خوشحالند. تا دیان هم مثل دشمنی شان کورا است

است تا خود را تسلیم کند. خنده آور است از شهر جفا فی گذاشته اند؟! همه خانه ها منهدم شده است ویرانی بی انتها است. اما جفا که این شهروند که مردانه ایستاد و به مدخلی گفت: "خلق بیروز است".

گذری بر خطرات

در این بیست روزی که در منطق کرمناشا و کردستان بسر برده ام. به واقعیتها و بسیاری دست با فدا ام. از راه دور و از راه نزدیک دیدم. دانشه ام. اینک سرا بمسئله شده است. این واقعیت که همه تجهیزات قوی - المادهای که مهیا شده برای سرکوب کردستان است این واقعیت که فرس به

مرز عراقی بهانه ای پیش نبوده، و تا می آنچه که میگذرد: تنها جغات ارتش و پادگان - در منطقه، بمباران وحشیانه شهر - سنج سرکوب سیرحانه مردم، دروغیانی از راه دور و تلویزیون و... همه و همه خیلی خوب ثابت میکنند که هدف حکومت سرکوب مبارزات خلق کردستان و ارتش و پادگان و سایر این سرکوب هستند. یعنی مدرسا خواستار شدن شدت عمل و تا شدکا میل این سرکوب، موضع طبقاتی خود را روشن کرد. همچنان که در مسئله دانهنگاه وی نشان داد که تنها در روش با آنها ای دیگر اختلاف دارد. نشان داد که از زمانه کدما مطبفه پشتیبانی میکند.

ومن جز این ارتش هبتم، به همراه سربازان بنیضای که خواهان جنگ نیستند، اما آن مثل عامیانه در دست می- کوبید که: "ارتش جدا از ارتش است" مسا چه خوب با شیم و چه بد، مثل ابزاری در خدمت دستگاه ارتش هستیم که ما اسرار سرکوب مردم و ستون فقرات مدخلی است در این بیست روز ما عات بسیار تلخی داشته ام. در تمام این ساعات مبارزه جانانه خلق کرد. بهین چشم بوده است چه دلورانه میجنگد. ایما نشناسان از حقا نیتشان است. این را میدانم.

با خود فکر میکنم چگونه بسیاری از مردم ما به واقعیتها آگاه میشوند. گرچه اخبار و اطلاعیه های که از راه دیس و تلویزیون پخش میشود و مردم را به آرامش دعوت میکند. نشان میدهد که مردم رفته رفته آرتد پیدا میشوند. (اا اا اا اا)

سها میخا و هجنگ نیا تدوآنا ن جان سالم بدر ببرند. "بیروزی" برای آسان معنای زنده ماندن دارد. اینک شهر ویران شده، اینک زنان، مردان و کودکان کشته شده اند و زندگیشان از دست رفته، اینها دیگر برایشان اهمیت ندارد و طبیعی است که ندانند چه شد. بهنابه مهره ای در کشتار خلق بکار گرفته میشوند و موقعیتشان به آنان چنین روحیه ای می بخشد. بعد از ظهر چند نفر از گروهان ما با وظایف به شهر رفتند. در سیمسندیم که دود خنجران را با اعلامیه و کتا ب گرفته اند.

جمعه ۵ اردیبهشت

ارتش که "بیروزی" را با بمباران شهر و مردمانش بدست میاورد، میتوان فکر کرد که با مردم چه خواهد کرد. دیروز دهها نفر از کردها را به پادگان آورده بودند. دیروز وحشیانه به شهر، آنها را دستگیر کرده بودند. مردهای جوان را در بیرون جمع کرده بودند و زنها و بچه ها و پیر مردها را در مسجد، بنا شده بودند. مردهای جوان تسلیم دادگاه شوند. (به- چه جرمی؟!)

شهر منهدم شده است. بمباران های مداوم و سیرحانه به چهره زیبای سنج را له کرده و در هم پیچیده است. اما خلق قهرمان کردها و ملت میکنند. را دیس و تلویزیون هنوز در اختیار "پیتورگه ها" است.

در درگیری دیروز سه نفر کشته شدند ارتش حمله میکند. بنوی کا ملا غیر انسانی اسیر میگیرد. از هر خانه چند نفر به تپه ها یک ارتش اشغالگر دستگیر میکند. چهره های برهنه و خاکی کریمگان بدنشان آنها میدوند و پیر زنان بر سر می کوبند. نشون وزاری آنچنان بالا میگیرد که سربازان را آزار میدهد.

سربازی که کنار من میخوابید، تا پدید شده است. گویا در شهر تیر خورده و همانجا مانده است. بجای خالی نشکده میکنم. عاقبت خودش هم در نیامت که چرا میجنگد. و اینک تا بداند و مردها تا بهر حال چنین سرنوشتی در انتظار رهبریک از ما هست. امروز صبح را دیو می گفت که تا ساعت ۲ بعد از ظهر به شهر مهلت داده شده

منتشر شد!



سازمان پیکار راه آزادی طبقه کارگر تشکیلات بلوچستان
انتخاب و تصویب بلوچستان، شماره ۳۹، تاریخ ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



اعتصاب کارگری در آلمان شرقی

جلوه‌های دیگر از مبارزه طبقاتی در اروپای شرقی

هفته گذشته کارگران راه آهن دولتی آلمان شرقی در برلین شرقی اعتصاب کردند. انگیزه اعتصاب کارگران، با شنیدن بودن دستمزدها، کثرت ساعات کار، و عدم وجود امکانات رفاهی مناسب برای زندگی بود. حزب دولت بورژوازی روستونیست آلمان شرقی، برای مقابله با کارگران و جلوگیری از رشد و گسترش دامنه اعتصاب به دیگر واحدهای تولیدی و خدماتی، حدود ۲۵ نفر از کارگران راه آهن را اخراج نموده و علاوه بر امتناع از مذاکره با نمایندگان کارگران، کارگران را به اخراج تهدید کرده اند.

بدنبال اعتصابات عظیم کارگری در لهستان، اکنون موج مبارزات کارگری در کشورهای بورژوازی روستونیست اروپای شرقی روبه گسترش است. اعتصابات کوچک و بزرگی که در این کشورهای روی میدهد، مبین وجود مبارزه طبقاتی طبقه کارگر بر علیه طبقه حاکم و مسلط بر آنهاست. چه این اعتصابات نتیجه ناگزیر استقامت طبقه کارگر، دستمزدهای کم و شرایط طاقت فرسای کار روزنگاری می باشد. این انگیزه ها که طبقه کارگر را بویژه در لهستان و آلمان شرقی به مبارزه کشانیده است، بهیچ وجه در نظام سوسیالیستی مفهومی ندارد، بلکه تنها در نظام سرمایه داری و تحت حاکمیت بورژوازی است. گاه این پدیده ها برای طبقه کارگر در زندگی و مبارزه اش قابل لمس می باشد. در کشورهای روسیه و اروپای شرقی، بعد از اعتصابات حزب کمونیست این کشورها به حزب بورژوازی روستونیست، مناسبات استعماری آنها ایجاد شده است و در حقیقت استعمار مناسبات سرمایه داری و حاکمیت بورژوازی است که باعث مبارزه طبقه کارگر است. به روستونیست می توان گفت که مبارزات کارگری در اروپای شرقی در محدوده لهستان و آلمان شرقی باقی نخواهد ماند. چه سبب رشد بصران و افزایش فشار سرمایه بورژوازی بر طبقه کارگر است، در کارگران روسیه و نظام کمونیستی اروپای شرقی، در سبب پروتاریا جهانی و مناسبات جهانی از آن بهر علته سرمایه جهانی و برای رسیدن به سوسیالیسمی راستین به بیکار خود ادامه خواهد داد و در این راه از حمایت طبقه کارگر سرچنان نیز برخوردار خواهند بود. آنچه که با بدر تحلیل ما از مبارزات کارگران

در کشورهای بورژوازی روستونیستی حاکم و سبزه های دانش با شتاب است از:

- ۱- افزایش ماهیت طبقاتی روستونیسم، سیاستها و عملکردهای آن در تمام زمینه ها و فضای ماهیت "سوسیالیسم" دروغین شوروی و اروپای شرقی که نقاب فریبنده برای سرمایه داری دولتی در این کشورهاست. حمایت بیگرو و فعال و همه جا نشانه مبارزه کارگران اروپای شرقی نمی توان دانجام گیرد مگر آنکه ما مبارزه ای سرخساز و آشتی ناپذیر بر علیه روستونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم همراه با آن.
- ۲- افزایش تبلیغات و توطئه های امپریالیستهای آمریکا و اروپای غربی، کشورهای ارتجاعی و روستونیستهای حاشیة جهان و روستونیستهای مرز میان برخورد و تحلیل کمونیستها و برخورد و تحلیل حاشیة به خلق و طبقه کارگر.

امپریالیستها و کشورهای ارتجاعی، مبارزات کارگران اروپای شرقی بویژه لهستان و آلمان شرقی را مستمک اهداف ضد کمونیستی خود قرار داده اند. اینها که در استعمار و حاشیة طبقه کارگر در غرب و کشورهای وابسته دست کم از سوسیالیسم امپریالیسم و بورژوازی روستونیستها ندارند، با تبلیغات دروغین و عواقریبه ها خود، حول مبارزات کارگری در اروپای شرقی، در پی آشناندن کارگران و زحمکشان را از نظام رها می بخش سوسیالیسم و کمونیسم بترسانند. آنها با

"سوسیالیستی" قلمداد کردن شوروی و افزایش مذبوحانه میخا هند مبارزه و اعتصاب کارگران را معلول نظام به اصطلاح سوسیالیستی اروپای شرقی نشان دهند، غافل از اینکه طبقه کارگر این کشورها، درست بر علیه مناسبات سرمایه داری و برای ایجاد نظام سوسیالیستی واقعی مبارزه میکنند.

روستونیستهای حاشیة جهان که با اصطلاح برای طبقه کارگر اروپای شرقی دلسوزی میکنند، در خدمت امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و بورژوازی نوین چین و در خدمت با قطب امپریالیستی روسیه، عوام فریبانه تلاش میکنند که مبارزات کارگران را بر اساس تئوری ضد خلقی که در جهت اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی خود بنا نهاده اند، بکشانند. ماهیوی دارنده های ارتجاعی که با تئوری بهیچ وجه در خدمت حمایت و تقویت مبارزات کارگری نیست بلکه در جهت تضعیف مبارزات کارگری و دور کردن کارگران از راه رسیدن به سوسیالیسم واقعی و افتادن بدامن امپریالیستهای غربی است. کمونیستهای راستین و طبقه داران رند ضمن حمایت فعال و همه جا نشانه از مبارزات کارگری در اروپای شرقی، دسیسه های وارد شده ای روستونیستی، امپریالیستی و ارتجاعی را افشا نموده و با مبارزه بهیچ سبب بر علیه روستونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم، امپریالیستهای غربی، خروچکی ها و همه جانی های حاشیة آنها را طرد نمایند. ■

راه رشد غیر سرمایه داری عراق. سلاح های شوروی و فضای روستونیستی

تا همین چندین پیش مسکو و کمونیستهای آلمان شرقی باعث عراق "سخن میگفتند و پیشرفت های صدام حسین را مگر را "دورا" سوسیالیسم" میخواندند، گارضا نشان نظامی مسکو در عراق بودند. رابطه گرم اقتصادی - سیاسی در بینشان حاکم بود. شوروی تهیه کننده اصلی سلاحهای رژیم صدام بود. و اکنون عراق با سلاح های روسی با رژیم ایران میجنکد، شوروی در ۱۹۷۲ قرار داد دوستانه طولی المندی با عراق امضاء کرد و در ۱۹۷۸ قرار داد محکمتری برای فروش بیشتر سلاحها با عراق منعقد ساخت پس از تهاجم عراق به ایران در هفته گذشته طوق عزیز عمر بر جسته شورای فرماندهی عراق به مسکو عزم کرد. طبیعی است این ملاقات در اوج جنگ با ایران نشانه کیفیت روابط عراق با شوروی است. کجوه عراق اخیرا سیاستهای نزدیکسی غرب اتخاذ کرده و گوشه بدو تا بیشتر در مدار وابستگی به امپریالیسم غرب قرار بگیرد اما این امر مانع از آن نشده حتی در هفته های اخیر فروش سلاحهای روسی به عراق و تحویل این اسلحه در برمه انجام تکبیرد. طبق گزارش خبرگزاریها، برادران سوشالست کسبه آمریکا میکوشند ایران را در مقابل عراق قرار دهند. با این روابط حسنه شوالی که با اینجانبان با اذخاشین بوده ای روستونیستهای فدائی کرد است که سیاستهای کتور "سوسیالیستی" شوروی "چگونه با سیاست های آنان در تضاد قرار میگیرد که برای جنگ با عراق به میدانند، پس با سیاست آنان نادرست است پس سیاست شوروی ولی پاسخ درست اینست که بیف شوروی است که خود سلاحها پیش را به رژیمها نیست عراق بیفرود و در ضمن روستونیستهای ایرانی نیز با مدح رژیم جمهوری اسلامی سعی کنند جای پاشی برای او باز کنند. ■

بقیه از صفحه ۸ تعطیلی...

(ما تندگردستان، ترکمن صحرا، جنبش کارگری، اول اردیبهشت ۱۰۰) و هم اقدامات روستونیستی توان ما را ترجیح میدهند و بجای تعطیل کردن دانشگاهها، مبارزه دانشگاهها را با زبانشان ما دانشویان را بجای مبارزه انقلابی به لیبرالیسم و فرامیوش بکشاند.

۴- رهنمودهای فوق تنها به دانشویان داخل کشور بلکه همچنین به دانشویان انقلابی خارج از کشور نیز هست آنان با بیعتی به مبارزات خود در تنها حول افشای جنبات رژیم بر علیه زحمکشان و طبقه (گردستان ۱۰۰) بلکه برای افشای جنبات رژیم در دانشگاهها و بیعت دانشویان نیز شدت بخشند و به زحمکشان جهان ما هیت رژیم که میخواد دانشگاه را با بندها ما نمی در آگاه شدن شده ها ایجاد کند، را بشناسانند.

بقیه از صفحه ۱۱ آمریکا...

دست میزند. اما کارگران و توده های زحمتکش منقطع و ایران "بند خوئی" برای امپریالیستها و در اینجا امپریالیسم آمریکا و همه روستونیستهای ارتجاعی تدارک دیده اند: آنان شعله انقلاب را فروزانتر خواهند ساخت.

تعطیلی دانشگاه نشانه وحشت از آگاهی توده‌هاست



دراکنش کشورهای تحت سلطه چون کشورما، دانشگاه درپیکار ردمکرا بنک وعدا میریالیستی خلقها، اهمیت ویژه ای میابد. دانشجویان که هنوز به بوروکراسی نظام وابسته بیوند نخورده اند حساسترین بخش روشنفکرانند سیاست آنان از اینرو است که از نظر عینی هیچگونه جایگاه افتاده طبقاتی را نیافته اند و در عوض ذهنیت آنان بر مبنای ستمگری بسوی طبقات گوناگون جا معیاست که تعیین می کند، بمتا به روشنفکران طبقات مختلف به بورژوازی و سایر کارگران تعلق دارند. آنان آشنیده تمامهای گروه های سیاسی جا معیاست و بدین ترتیب نیروهای انقلابی درون جا معیاست بخوبی در درون خود منعکس می کنند. امکان بیشنردستیابی آنان به دانش و آگاهی دانشگاه را بصورت گانون انا عده دهه آگاهی درمی آوردگرچه نیروهای ضد انقلابی نیز در درون دانشگاه همیشه دارای پایگاه بوده اند، اما تا ربحه میا زره پیرشوردانشجویان انقلابی بخوبی نشان میدهند که بین انقلاب بوده است که دانشگاه را زیر سیطره خوددا شده است. در خلقسان

● خون موذنها، شوشتربها و معتد بیها و... نشانه میثاقی است که دانشجویان انقلابی همواره با خلق خویش بسته اند

– های میلیونی توده ها در یک محل برکرا ر میشند
"دانشگاه" و بدینگونه خلق دانشگاه و شهیدانش را پان میداشت.



۲- رژیم جمهوری اسلامی با دانشگاه چه کرده است؟

تا سه رنگون شومیهو چنان انقلاب از فرا زبیکر – های خونین هزاران شهیدگذشتند و با زش با میریالیست مبرخت قدرت نشستند و از همان آغاز به سرکوب خلق و با زسازی سرما به داری وابسته پرداختند و از همان آغاز دانشگاه چون کارگران، زحمتکشان و خلقها در امان نماند.

مگر می شود دانشگاه سنگر آزادی باشد، آگاهی رابه

میان توده ها بپرد و بر علیه ارتجاع و میریالیست برز و در رژیم جمهوری اسلامی که دشمن آگاهی و آزادی و حافظ منافع میریالیست است، با آن کار رنداشته باشد؟

شورا های دانشجویی بی اعتبار شد، انجمنهای اسلامی دانشجویی نقش ساواک را در شنا سازی دانشجویان انقلابی ایفا کردند، جایگاه دانشگاه را چاقا در آن حزب الهی گرفتند که وقتی دانشجویان موفق به دستگیری آنان میشدند کارت کمیته ها و سپاه پاسداران از حیثان بیرون می آمد! (مانند حادثه دانشکده فنی که به روزنا صها هم کشیده شد.) دانشجویان انقلابی باز هم به زندان افتادند و شلاق خوردند و تضییقات و فشارها فزونی گرفت. از سوی دیگر دانشگاه نیز مانند کورستان از معدود نقاطی بود که رژیم نتوانسته بود دستاورد های قیام بهمین ۵۷ را در آنجا بزیس گیرد و علیرغم محدود شدن تدریجی آزادیها و افزایش سرکوب قلب دانشگاه

دیگر که میا دانشجویان و با فرغ التحصیل دانشگاه، این گلهای خونین انقلاب در قلب توده ها جا و دان خوا همداند. مگر می شود دانشگاه را فرا موش کرد، آنرا ن که بهشتی ها درها مبورگ مشغول زد و بند با سفا رتخانه "نا هشتا آریا مهر" بودند و با ایران کتاب درسی نا هشتا می مینوشتند و با زرگانها و میناچی ها بسرای "ا علی حضرت هما بونی" تا مه فدا بیت شوم میفرستادند، و آیت ها در سزید بقا شی مزدور، درس جا سوسی را فرامی گرفتند و بسیاری از "مراجع تقلید" به مجیز – گوشتی دربارنا می مشغول بودند و با حدا کثرت سگوت میگردند و فرماندهان مزدور ارتش جمهوری اسلامی یعنی فلاحیها و ظهیر نژادها و با قریبها و... مشغول کشتار انقلابیون و خدمت به "نا هشتا هیزرگ ارتشداران بودند و... دانشجویان انقلابی بجرم عشق به خلق در روی اجاقهای کتجنه گاهای کمیته ها و این کتاب می – شدند و با آنقدر شلاق میخوردند که بدنشان تکه پاره و خونین و چرکین میشد و روزی نبود که فریاد زنده با دخلق – شان در خلوی جوخه اعدا م، پشت رژیم را نلرزاند. نه خلق ما هرگز فراموش نکرد و فراموش هم نخواهد کرد و چنین بود که توده های مادر نظا هرات پرورشان در سال های ۵۷ – ۵۶ هرگاه مکه زلوی دانشگاه عبور می – کردند با شعار "دانشگاه سنگر آزادی است" این دژ آگاهی و مبارزه را پاس میداشتند. در سال ۵۷ که شاه مزدور دانشگاه را تعطیل کرد، این توده های انقلابی میهن بودند که با مبارزه پر شورشان دانشگاه را گشودند دانشگاهی که ۱۶ آذرها و ۱۳ آبانها آفریده بود. به معیاد که خلق انقلابی بدل شد، از آن پس همه نظا هرات – ها به یک جا ختم میشد "دانشگاه" و توده ها قرارهای انقلابیشان را یکجا می گذاشتند. "دانشگاه" و "میتنگ

با رترین شرایط جا معیاست، در بدل سیا هیهای دیکتا توری محمدرقا تا می دانشگاه ستاره تا بنا کی بوده است که یکدم از مبارزه علیه میریالیست و ارتجاع با زنا بستاد



۱- شاه خائن با دانشجویان انقلابی چه میکرد؟

رژیم ضد خلقی شاه دست به تیرباران زندان و کتجنه دانشجویان انقلابی می زد تا شاه پددا دانشگاه، این سن سگر مستحکم را درهم کوبد. ساواک اهریمنی خویش را با نما منیرویکا ر می گرفت تا دانشگاه را به یک لانه پلیسی بدل سازد، بطوریکه سرعاً عنا صرمیبا رزوا انقلابی را شنا سایی، دستگیر، زندان و با تیرباران کند. رژیم ضد خلقی شاه گارد دانشگاه را ایجاد کرد تا نظا هرات دانشجویان انقلابی را درهم کوبد و هرگونه فریاد آزادیخواهی را در گلو خفه کند.

رژیم ضد خلقی شاه نه تنها فرعاً لیت سیاسی را با کتجنه و تیرباران پاسخ میگفت، بلکه مانع از فعالیت – های صغی مانند کتبا به دانشجوئی و کوهنوردی و... می شد.

اما با اینهمه دانشگاه، چون رعد در شب تیره می – درخشید و صاعقه های آگاهی را بسوی توده ها پتاب می – کرد اما عمایات و نظا هرات دانشجویی، نظا هرات خیابانی، پختن علامیه ها و تراکتها و نیز شرکت فعال دانشجویان انقلابی در جنبش خلق و گروههای سیاسی اعتراضی خاص می به دانشگاه در نبرد توده ها می بخشید. خلقهای قهرمان ما، هرگز خاطر مردها دانشجوی انقلابی که در راهنا بودی امیریا لیست میگردند و خون سرخان میدانهای تیز و سگفرش خیابانها را گلگون کرد، فراموش نخواهند کرد. مهدی رضا شیا، احمدزاده – ها، محمدرقا خونینها، محبوبه متحدین ها و صدها شهید

دانشگاه این سنگر آزادی باید گشوده گردد!

تعطیلی ...

همچنان بر مردم رها زبانه دموکراتیک و جدامیرالینتی می طپید و آزادیهای نسبی برخوردار بود. دانشگاه همچنان به عنوان دژی که نبوده ها آکا می می بخشد و آزادی و استقلال مینهن دفاع میکرد رژیم حامی امیرالینس را اقامی نمود. باقی مانده بود و تحمل این برای رژیم کدشمن آکا می و آزادی نوده ها بود تحمل پذیر نبود. یورشهای حزب الهی ها، دستگیری دانشجویان انقلابی، حلات کا و هیکا ه به دانشگاه و اقدامات انجمن اسلامی دانشجویان کافی نبود و چنین نذکیرا به خا شانه حزب جمهوری (که در بهوار کدانی آیت یحیی عمان نده است) در یورش به دانشگاه که تحت عنوان انقلاب فرهنگی طرح شد و در چهار روجت عمومی خود فوراً مورد پذیرش سید مرتضی قرار گرفت، در دستور گذارنده دو حمله اول اردیبهشت آفریده شد. دانشجویان به دفاع از سکر آزادی پرداختند و سان دانشگاه ما سده همیشه در دفاع از آزادیهای انقلابیسان تا پای جان آماده شد. سنی صدر و حزب جمهوری فرمان فتح دانشگاه را صادر کردند، چرا که به قول سنی صدر در آنجا فعالیت سیاسی انجام میکردند و مسئله همین جا بود: دانشگاه باید به خون کشیده میشد دانشجویان انقلابی سیر با ران میشدند و سینه دانشگاه تعطیل میشد. چرا که در دانشگاه و نیروهای آکا می وجود داشتند که از کارگران و رزمندگان دفاع میکردند و حیا با رزم در کدسان را زرد سوده ها ایما می نمودند. دهها تن و از جمله بیکا رکان شهید، رفقای بهرمان احمد مودن، مهدی غلوی خوشتری و مهسان معتمدی سرور و سیر با ران کشند و در روز اول اردیبهشت به روزهای جاودانی حماسه ای مبارزات خلق مایوس خون مودنها، خوشترها و معتمدنها و ... نشانه مینامی است که دانشجویان انقلابی همواره با خلق خویش سنده اند

دانشگاه تعطیل شد! انقلاب فرهنگی رژیم که با مسلسل با سدا ران و قوه جفاقی و پان حزب الهی جمهوری اسلامی برپا گشت، تنها چاره ای بود که رژیم برای سرکوب دانشگاه توانسته بود بیابد. او از رژیم شاه آموخته بود که دانشگاه نمی تواندها دانشجویان انقلابی را سیدند یا به ۱۶ آذر و ۱۳ آبان میا فرسند! و به یقین مینوان گفت که اول اردیبهشت خوشتر و جانب آ میز تراز ۱۶ آذر و ۱۳ آبان و در عین حال حماسه ای نریدیدار گشت.

جویان، اسنادان، و کارکنان انقلابی دانشگاه دارند به اخراج آنان مبارزات گندوسیر علاوه بر آن در این فرصت سیستمی یوسده منطقی بر فرهنگ ارتجاعی و واپسگرایی خود برآمورس دانشگاه یکسرا نذوآمورس استعماری بسین دانشگاه مولود سیم سرما سده آری و اسنه جا کم بر جا معده نوده است با آمورسی که با زهم در محتوا من حفظ و بقا سرما سده آری و اسنه خواهد بود سوسویس کند. چرا که حل انقلابی آمورس مولود کرد کونی کامل نظام و اسنه و اسنادان در دست نوده هاست که آن همسپا در دولتی برهبری طبعه کا رکان مکان پذیر است.



۳- تعطیلی دانشگاه و وظایف دانشجویان انقلابی

دانشگاه همیشه ما دانشجویان انقلابی رهبار کارخانه ها و مراکز غندوبیا در ده کا و بساطهای کتاب - فروسی نذو آکا می در میان نوده هابانانند. اعلامیه ها و تراکتهای انقلابی که سخن سکردند و بحثهای افیاب - کزانسان نشان دادند، همه ما زره غلبه دشمنان خلق از پای نمی نشینند. اما سده آری این مبارزات نوده های انقلابی مینهن خوا ستر را زده ای دانشگاه هستند. آن - ها معقدند که دانشگاه سکر آزادی است و با بدسکر آزادی باقی بماند. دانشجویان انقلابی باید نده تنها در سینه مبارزانشان با نوده ها با زهم بکوشند، بلکه موظفند سکر آزادی را در دانشگاه با زهم برپا دارند و دانشگاه را با زهم به دژی مستحکم در سیر با امیرالینیم و ارتجاع بدل سازند. دانشگاه باید گشوده شود تا از این سکر همها نوده ها از رزم خویشین کارگران و رزمندگان، سیماران کردستان و سرور و شیرساران انقلابیون سخن گویند سینه ترشیم ما زره برای ساز - کثانی دانشگاه با بسنی سیموان جزئی از مبارزات دموکراتیک و جدامیرالینتی خلقها بمان انجام کمرد و از حمایت و پشتیبانی نوده های رزمکنش میهن برخوردار شوند در این راه گذشته را نسا کرهای سازمان های انقلابی و کمونیستی، سازمانهای انقلابی و

دانشجویی و دانش آموزی م. ل. و دموکرات با کوشش بیشتر در راه با زکنا بی دانشگاه باید به سیر در بخیزند. ۱- باید به افشای دلایل بسن دانشگاه بسرای نوده ها و بخصوص کارکنان پرداخت. با بغه خویشین مبارزاتی دانشگاه را با زکفت و آزان خواست که به پشتیبانی دانشجویان انقلابی برای با زکنا بی دانشگاه بر خیزند.

۲- گذشته از افشای گریه های وسیع، باید دانشجویان انقلابی را حول این مسئله سازمان داد. دانشجویان انقلابی جدا از مبارزانشان در تشکیلات مستقل خویش باید بر سر اقدامات مشخصی که مورد توافق همه آن شکل - ها با سده متحد شوند. تحریکات کمیته هما هنگی اول اردیبهشت نشان داد که در آنجا که یک نیرو، مسئله ای را نذیرد به اقدامات جدا از کمیته دست خواهد زد این اتحاد، اختلافی بر سر تاکتیکی مشخص مورد قبول طرفین خواهد بود. این اتحاد تنها با سازمانهای انقلابی دانشجویی که دارای توان لازم برای مبارزه سیر هستند، بسنی تشکیلهای هوا در رزمندگان، وحدت - انقلابی راه کار، اقلیت فدائیان و معاهدین (در صورتی که در آن شرکت کنند) خواهد بود.

۳- با سازمانهای انقلابی دانشجویی و دانش آموزی م. ل. و دموکرات با بسنی دست به مبارزه ای پر شور و انقلابی در افشای رژیم و حقانیت بازگشایی دانشگاه بکشند. بخش اعلامیه، نظارات، تحن و ... با هر مبارزه انقلابی منطبق با شرایط مشخص جا معده مینوانند در دستور قرار گیرند. در اینجا با بسنی با شوه های "مبارزه لیبیرالی و روبریو بسنی مرز بندی نموده با فضا و طرفد لیبیرالها و روبریو بسنی - های سجهانی، نوده ای و فدائی (اکثریت) برداشت و کوشیدنانروهای منززل بینابینی رامانند. معاهدین خلق هر چه بیشتر به صفوف مبارزه انقلابی کثانند، باید به نوده های طرفدار معاهدین خلق نشان داد که کرچه لیبیرالها مخالف تعطیل دانشگاه هستند و بجای سرکوب مستقیم، همسرکوب را در جانی که لازم بداند بقیه در صفحه ۶

دانشگاه را می بندند، زندانها را پر می کنند، دانشجویان را می کشند

خلقهای قهرمان ایران!

بیاد می آورید جغد رفیقا د کسیدید، دانشگاه سکر آزادی است! این سکر آزادی تعطیل کرده اند. بیاد می آورید در زمان شاه خائن، مبارزات دانشجویان انقلابی هرگز خاموش نشد! جمهوری اسلامی می خواهد شعله بر فرغ این مبارزات را خاموش کند. بیاد می آورید، شاه دانشجویان را میکشید، شکنجه میداد، میکشت! جمهوری اسلامی زندانها را، برزاد دانشجویان انقلابی کرده است و ماهی نیست که چند دانشجوی مبارز به جرم عشق به رزمکنشان سیرازان نکند.

... آری، خلق ما نباید میاورد که دانشجویان انقلابی در راه آگاه کردن توده ها از جان خود نیز سز کدشته اند و اینک رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از آگاهی توده ها، دانشگاهها را بسته است. برای خفه کردن آزادی به سکر آزادی حمله کرده است. اما به همت توده ها، دانشگاه همچنان سکر آزادی خواهد بود.

تعطیل دانشگاه نشانه وحشت از آگاهی توده هاست

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۶/۳۱

سری - - - ۷۵

درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی



اطلاعیه وحدت با:

۱- اتحاد جنبشگران بلوچستان

۲- بخشی از گروه کارگر، دهقان، دانشجوی

۳- گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست (دک)

۴- بخشی از مبارزین طبقه کارگر (هسته مقاومت ۳)

۳- اطلاعیه وحدت "گروه دانشجویان وروشنفکران کمونیست" (دک)

"گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست" بدنبال انشعاب در "گروه اتحاد دما زده در راه اتحاد حزب طبقه کارگر"، (ه) برپا به نقد و رد ابورتونیسیم راست حاکم در "گروه اتحاد..." و جنبش سیاسی خارج از کشور و حمایت از بخش ما رگسیتی-لنینیستی سازمان ما هدین خلق در دما ۱۳۵۵ سوجود آمد. این گروه بر اساس قبول مثنی غیر پرولتری چریکی حاکم بر بخش منشعب و "تزیست جبهه" به مدت دو سال در موضع پشت جبهه این سازمان قرار گرفت. اگر چه بدستی گروه به مرز بندی با ابورتونیسیم راست برداخت، اگر چه سنگبری رفقای ما به سمت بخش منشعب از مضمونی انقلابی برخوردارید، لیکن با اذعان داشت که گروه خود به انحراف ابورتونیسیم چپ در غلتید، ما به دفاع از مثنی مبارزه مسلحانه جدا از توده برداخته و در مناسبات پشت جبهه ای در رابطه با اساسی ترین وظیفه کمونیستها در قبال طبقه کارگر به انفعال دچار گشتیم. البته ما گفته ماند که در این دوران ما دارای دستان وردها می نیز بودیم که آن حمله با بد از مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک علیه دیکتاتورهای راست و ارتقاء سطح جنبش دانشجویی، سازماندهی مبارزات دانشجویی علیه ارتجاع و امیرالیسم، ارتقاء مکرانیم و افشای بورژوازی لیبرال و لیبرالیسم مبارزه علیه ریزوینیسیم، نژاد رنجی "سه جهان" و سوسال امیرالیسم شوروی، مبارزه

(ه) - بعد از انشعاب گروه ما، بخش باقی مانده "گروه اتحاد..." "تربا به مثنی ابورتونیسیتی خود به مرداب متعفن ریزوینیسیم سه جانی در غلتید. این بخش با خیانت کامل خود به نیروی ضد انقلابی و به نوکریمفدا ریزوینیسیتی تبدیل گردید

و گروهگرایان نشان نمیتوانست و نمیتواند همراه همگام ما با این تحولات حرکت کند. گروه ما نیز سیمان به جز کوچکی از این جنبش نمیتوانست است از زیر ضربه های واقمیت تلخ و افشاک این برآکندهگی در ریزوینیسیتی با انبوه مسائل و مشکلاتی که از سویی یک برنا مهوسا است انقلابی مبتنی بر تحلیل مشخص از شرایط متکامل - ترجا معر امیلسید و از سوی دیگر مهر باطل ریزوینیسیتی محفلی اجتناب نپذیر و شکل کار محلی و منطقه ای میزده است، بدور با شد.

بحث وحدت در گروه ما تحت فشار این واقعیات و این ضرورت نوبین، از مدتها پیش جریان یافت. از همان ابتدا دو خط فکری در این رابطه مشخص گشت. هر چند که گروه با امکانات و توانائی های محدود و روابط محفلی حاکم بر آن قادر به سازماندهی یک مبارزه ایدئولوژیک و اصولی و بیگرایانه به منظور دست یابی به صحیح ترین راه حل، با اتحاد تصمیم آگاهانه و اصولی همه اعضا و برای تعمیق شناخت آنها از مسائل جنبش کمونیستی نبود، اما در همان چهار رچوب روابط و در حیطه توان تئوریک و درک معرفتی مجموعه اعضا، مبارزه ایدئولوژیک بر سر این دو خط وحدت با "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" و با پذیرفتن طرح "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" ادا می یافت و سرانجام بخشی از رفق و وحدت با "سازمان پیکار" را به لحاظ مکتوبی ایدئولوژیک-سیاسی و سابق مبارزاتی آن سازمان پذیرفته بخشی دیگر از رفق طرح "وحدت انقلابی" را بدلیل محوری دانستن امر وحدت جنبش کمونیستی پذیرفتند.

از این رو ما با این کار گروه "کارگر - دهقان - دانشجویان" اعلام میکنیم، بالین امید که هر بخش از این پس راه سرخ انقلاب خواهد داد.

به امید پیروزی!
فردیه تریا دمفوف جنبش کمونیستی!
پیش سوی وحدت جنبش کمونیستی!
پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر!
برفرار باد جمهوری دیکراتیک خلق!
۵۹/۴/۲۶

ادامه اطلاعیه وحدت از شماره قبل

توضیح: همانطور که در شماره قبل پیکار نیز اشاره کردیم، ما بدلیل کم بهادادن به انعکاس وحدت سازمان باگروها و محافل کمونیستی و برخی مشکلات دیگر، در اعلام برخی از وحدت ها که مدت زیادی نیز از آن میگذرد کوتاهی نمودیم. ما ضمن انتقاد به این مسئله، اعلام وحدت این گروهها را (علیرغم) نده مدتی از زمان آن میگذرد، گامی مثبت در جهت تقویت روحیه وحدت طلبی در جنبش کمونیستی ایران دانسته و از این پس میکوشیم اطلاعیه های وحدت را در اولین فرصت در پیکار درج کنیم.

اجادستا در زنده و ما زمان سیاسی این طبقه یعنی حزب کمونیست و حرکت مستقل این طبقه عملی خواهد شد. از این رو در حالیکه ما بیدایش و شکل گیری گروهها و محافل مارکسیست - لنینیستی و حرکت گروهی مستقل آنها را در سر تا سر ایران و برای یکسوره تاریخی امری ضروری، اجتناب نپذیر و در مسیر انقلاب دموکراتیک ایران تلقی میکنیم، اما در عین حال اعتقاد داریم که ضرورت این دوره تاریخی مدنظر است که برآمده و جای خود را به ضرورت نوبین - تری، یعنی وحدت جنبش کمونیستی برنا به اولین سنگ بنای ایجاد حزب کمونیست داده است. زمینه عینی چنین ضرورتی را امروزه پیوندها میباید در شرایط کنونی جامعه که بسیار متحول و پیچیده است، در گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی در اشکال گوناگون، در ستاد و بحران اقتصادی و لاعلاجی آن در چهار چوب مناسبات حاکم بر جامعه و سیاستهای ضد خلقی هیات حاکمه دینانوائی هیات حاکمه در حل بحران اقتصادی و اجتماعی و تحکیم سیاستهای سرکوب و بالنتیجه سرخوردگی توده های مردم از هیات حاکمه و مطرح شدن شکستبار در دهن آنها تا کمونیستها و نیروهای مترقی دیگر، و در عدم کفایت جنبش کمونیستی در پاسخگویی به انبوه مسائل انقلاب کنونی جستجو کرد.

انعکاس این ضرورت در سیاست و شکل کار گروهها و سازمانهای درون جنبش کمونیستی در شکل خرده کار ریهها، ناپیکاری، اگونومیسیم و لیبرالیسم و فقدان یک برنا مهوسا است (حتی گونه مدت) بروز کرده است. در حالیکه وضعیت جامعه در روند تحولی خود روز بروز پیچیده تر میگردد، در حالیکه مسواج مبارزات خود بخودی توده های مردم هر روز از گرانهای سر میکشد. در حالیکه سیر مبارزه طبقاتی اشکال تازه تر و نوبین - تری بخود گرفته است و در زمانیکه توده ها روز بروز به هیات حاکمه ای اعتماد دتر میشوند، جنبش کمونیستی در همان شکل پراکنده و مشتت خود و در همان اشکال سازمانی ابتدائی محلی و منطقه ای و محفلی خود و محصور در قلعه های منافع

۲- اطلاعیه وحدت بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجوی"

هموطنان مبارز!
انقلابیون کمونیست!

هم اکنون بیش از دو سال از آغاز شکل گیری و حرکت گروه "کارگر - دهقان - دانشجوی" میگذرد. گروه در اوایل سال ۵۶ فعالیت خود را با انتشار اعلامیه های تهنیتی و تبلیغی علیه حکومت دست نشانده شاه آغاز کرد. پس از قیام ۲۲ بهمن و سرنگونی سلطنت، همراه با رشد جنبش توده ای در ایام و اشکال تازه تر... سبدهای توده های وسیع مردم موگسترش حرکات و مبارزات خود بخودی آنها در زمینه های گوناگون، وجود شرایط نیمه دموکراتیک بعد از قیام - امحلال دستگا جهیمی ساواک و اقبال روشنفکران مبارز به کار و فعالیت در گروه - های انقلابی کمونیستی. دامنه فعالیت گروه تا حدی وسیع تر شده و قادر میگردد که در سطح منطقه (شیراز) به بخش اعلامیه، تراکت و جزوات تبلیغی و ترویجی بپردازد.

از با نمانه سال ۵۸، گروه به منظور انعکاس مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر جنبشگران منطقه فارس دست به انتشار خبرنامه ای میزند که ۹ شماره آن منتشر گردید. ما تلاش داریم که در شرایط عدم حضور تشکلهای کمونیستی در منطقه در حد توان در جهت ارتقاء آگاهی توده ها، شکل و سازماندهی آنها و فرار گرفتن در متن مبارزات آنها، گامی هر چند کوچک در جهت رهائی کارگر - ان و جنبشگران میهنمان از یوغ امپریالیسم و سرمایه داری وابسته برداریم. ما بسمت به بخش سیاسی رچوکجی از جنبش کمونیستی میهنمان بر این اصل مارکسیست - لنینیستی ایمان داشته و داریم که امر رهائی خلق از یوغ امپریالیسم جهانی و نظام سرمایه داری وابسته، تنها و تنها تحت رهبری پرولتاریا و

پیش سوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

علیه پورتونیسماست در خارج از کشور
فصلیت اشتراکاتی و ترجمه‌های و... نام
برد.

پس از یک سال و نیم از زندگی سیاسی
گروه، در زمانیکه جنبش سیاسی بوده‌ای
در سطح جامعه بعداً دیسابقه‌ای یافته
و شکست مثنی چریکی در عرصه شورویک و
براشک و صوح پیدا کرده بود، در زمانیکه
بخش ما رکیستی لنینیستی سازمان
مخادین خلق دچار تغییر و تحولات نویسی
نده و مثنی انحرافی چریکی حاکم بر آن
نقی گردیده، عمداً انحرافات سیاسی
گذشته این سازمان بر ملاگشته و رهبری
سابق طرد شده بود و نیز در زمانیکه در
اعتقاد نسبت به مثنی "پشت جبهه" که مشابه
نقطه انکار گروه بود شکاف افتاده، پیوسته
برنامگی گروه‌ها منتهی یافته و دورنمای
روشنی وجود نداشت، بحران عمومی گروه
گسترش یافته و ترشد مبارزه طبقاتی در جامعه
پیش از هر زمان دیگری، طلبیدنا گروه
بر اساس انتقاد گذشته خود، مشخص کردن
مثنی نویسن و برنامها مبنای زراتی خود، بطور
فعال در آن شرکت جوید، لیکن رهبری
گروه‌ها توان از پاسخ گوشتی به این امر
بود، روشن است که جنبش شرایطی نمی
توانست به اعتراضات و تظاهرات پیچیده
- تردرونی نیانجامد. در این هنگام
شکافهای انشعاب در گروه پیدا رکشت،
نشست "آذرماه ۱۳۵۷ گروه منظور
بررسی اوضاع درونی گروه و چاره جوشی
برای خروج از بحران با شرکت نمایندگان
گروه و فراخوانده و در همین هنگام معنصر
سلط رهبری از موضع استیمالسی و
اپورتونیسیتی تشکیلات را رها نمود و فرار
کرد. در این نشست یک گرایش انشعاب
طلبانه و با سیفیسیتی بروز نمود، گرایشی
که بدینال نف غیبه‌دیا لکتیک مثنی چریکی
و نیز پشت جبهه و نیز خدش‌ها شدن رمانسم
گذشته اش، انحلال گروه را مطرح میباخت
بر اساس این نکوش را استروانسه و
اپورتونیسیتی نمایندگان و حاملین این
گرایش سیاسی - اپیدئولوژیک انشعاب
نمود. و گروه‌ها ترک گفتند.
در برابر این پاسخ انحلال طلبانه، بخش
اکثریت رفقای گروه بر حفظ تشکیلات،
ضرورت انتقال گروه به ایران و شرکت
منتکل و فعال در مبارزه طبقاتی تاکید
داشتند. این دیدگاه مطرح میبخت برای
استقرار و گروه در مواضع جدیدی با است
مثنی چریکی و نیز پشت جبهه و انحرافات
اپیدئولوژیک گروه به نقد کمونیستی
کشیده شود و بر اساس آن مواضع و خط مثنی
و جایگاه‌ها بنده گروه در قیفا روشن گردد.
در ایران در شرایطی که رفقای گروه

با تحولات نویسی مواجه گشته بودند و
فقد ساخت لازم از مجموعه تشکلات جنبش
کمونیستی بودند و نیز در بخش منشعب
انشعاباتی به وقوع پیوسته بود، سنگتیری
واحد گروه نسبت به سازمان پیکار در راه
آزادی طبقه کارگر زیر سؤال رفت و در
همین شرایط که در گروه مبارزه اپیدئولوژیک
گسترده‌ای علیه مثنی گذشته و انحلال طلبی
صورت نگرفته بود و جمع‌بندی واحدی از آن
نگشته بود و گرایش انحرافی یکسی
گرایش ادغام‌مفوری "درما زمان پیکار
و دیگری گرایش کونومیسیتی استقلال -
طلبی" موجود آمد. وجه اشتراک این دو
گرایش نفی دوران انتقالی بود، دورانی
که در طی آن گروه بتواند انکار گشته
مبارزه اپیدئولوژیک مثنی و دورنمای
جدید خود را مشخص سازد. این دو گرایش
طی مبارزه درونی تصحیح گردید.

نشست دوم گروه در اردیبهشت ماه
۱۳۵۸ طرح "دوران انتقالی" را تصویب
کرد. این نشست در عین تاکید بر شرکت
فعال در مبارزه طبقاتی جاری در جامعه
مضمون این دوران گذار را مبارزه
اپیدئولوژیک علیه ریشه‌های انحرافات
موجود، برررسی وضعیت جنبش کمونیستی
و نیروهای آن و در نهایت تعیین مثنی
و مواضع و جایگاه گروه در جنبش مشخص
نمود. گروه در مسیر این حرکت قرار گرفت
در طی این دوران انحرافات مختلف از
جمله گرایش "چپ" و روشنگران اپورتونیسیتی
ظهور یافت این گرایش با نگرشی روشنگرانه
به مثنی مرزبندی‌های اولیه در جنبش
کمونیستی پرداخته، به مطلق کردن منفعهای
جنبش دست زده و حرکت وحدت طلبانه رانسی
ممینمود. این گرایش که در آنحصراف
اپورتونیسیتی خود انجما مآفته بود، در
چهارمین نشست گروه در آبان ۵۸، مورد
تصفیه قرار گرفت.

در طول این دوران گروه‌ها توجه به
نوع محدود خود به دستاوردهای میمسی
رسید؛ فعالیت در میان کارگران، بیگاران
زنان زحمتکش و دانشجویان، پیشبرد
مبارزه اپیدئولوژیک و شناخت از جنبش
کمونیستی و نیروهای آن، شرکت در حلق
مغلط جنبش، تدوین و آراشه جمع‌بندی
از گذشته گروه، فعالیت ترجمه‌های و همکاری
نزدیک با سازمان پیکار... از جمله
دستاوردهای گروه بود.
بر اساس این دستاوردها و مثنی و
موازیسن نویسن گروه بود که در نشست تعیین
تکلیف گروه، سنگتیری سیاسی اپیدئولوژیک
به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه
کارگر مینما به سازمانی که گرایش پرولتری
بر آن غالب است مورد تاکید قرار گرفت
و ضرورت ادغام با این سازمان به تصویب

رسید.
وحدت سیاسی اپیدئولوژیک با مر
این سیاسی استوار بود؛ جا کمیت سرمایه
- دارای وابسته، مرحله انقلاب، ماهیت
قدرت سیاسی حاکم و جمهوری دیکراتیک
خلق به رهبری طبقه کارگر، دیدگاه مشترک
در مورد وحدت جنبش کمونیستی، مرزبندی
با رویزونیسم و سوسال امیریا لیسم
شوروی و حزب بنده مینما به کارگر شوروی
ارزبندی با رویزونیسم چینی و تئور
ارتجاعی "به جهان"، مرزبندی با مثنی
غیر پرولتری چریکی، مرزبندی با
تروتسکیسم، رد تراشکافی و انحلال طلبانه
شکل دانشجویان مبارز و توافق بر سر
نژاد رکیستی شکل دانشجویان
ما رکیست لنینیست، بر اساس این
وحدت سیاسی اپیدئولوژیک و وحدت
سکلتانی ادغام تشکیلاتی در دستور قرار
گرفت و رفقای گروه در ارتباط با سازمان
پیکار در راه آزادی طبقه کارگر قرار گرفته
و با زماندهی متناسب آنجا میزبفرست
حرکت مبارزه جویانه ما در راه این وحدت
و تحقق آن با اجازه داده‌ها توان محدود
خود را در چارچوب یک سازمان کمونیستی
فعال تر کرده و بدین ترتیب کامهرچند
بسیار کوچک، در راه وحدت جنبش کمونیستی
و ایجاد حزب طبقه کارگر ایران برداریم.

پیش‌سوی ایجاد حزب
طبقه کارگر
بهمن ماه ۱۳۵۸
اطلاعیه وحدت
بخشی از
مبارزین طبقه کارگر
(هسته مقاومت ۳)
بعد از استعاب کردیم.
بروچر دورنشان کمیته‌ها هنگی بوجود
آمد. این کمیته‌ها جمعیتدی از نجار
گذشته و با تحلیل منحص از اوضاع جنبش
کمونیستی اعلام موجودیت رانقی کرده و
تشکیل گروه جدید را در دست آرزوی
نمود. زیرا در شرایطی که اختلافات قابل
توجهی با برخی از جریانه‌های جنبش
کمونیستی وجود ندارد، تشکیل گروه جدید
گامی در جهت منافع جنبش کمونیستی
نیوده و نتیجه آن جزا من زدن به نشست
و برآکنده‌گی چیز دیگری نیست. با توجه
به این تحلیل، رفقای ماضن شرکت در
مبارزات جاری و پیشتر در وظایف خویش
کمیته‌ها هنگی، هم‌خود را مصروف امر
وحدت نمود. در طی یک روند پس از بررسی
مواضع نیروهای جنبش کمونیستی، سازمان
پیکار را نزدیکترین نیرو نسبت به خود
تخصیص داده و بعد از دو ماه مبارزه اپیدئو
- لویک و تاسین وحدت سیاسی اپیدئو-
لوژیک و تشکیلاتی، در سازمان پیکار در
راه آزادی طبقه کارگر ادغام گشتیم.

پیش‌سوی وحدت جنبش کمونیستی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آمریکا به خلقهای منطقه چنگ و دندان نشان میدهد، اما...

۱- با یگای در حومه‌ها هر که در حال حاضر ۱۲ شکای می‌افکنند ۴ آمریکا در آنجا مستقر شده‌اند.
۲- با یگای نظامی "غنا" در کنار رود نیل (دره ۴۵ کیلومتری قاهره) این با یگای محل استقرار هواپیما - های مجهز به رادار "آو اکس" می‌باشد.
۳- با یگای نظامی "راس بن" که در کنار دریای سرخ می‌باشد آمریکا در این است تا این با یگای را به محل فرود بسپارند. این استراژیکی "ب ۲۵" و هواپیماهای آن در قهرمان غول بیکر (ک) - سی (۱۳۵) تبدیل نماید.
در کنار این اقدامات استراژیکی اگر به تقویت روز افزون رژیمهای مزدور پاکستان، عراق، ایران و نیروهای ارتجاعی لبنان توسط آمریکا لیسیم آمریکا از یک سو و به نوروهای پیمان نجا و رکا را نه تا تودر مدیترانه و دریای سیاه، انجام کودتای اخیر در ترکیه و تقویت نیروهای مزدور مانند تاندا ویسی و لیبزان و بنات بخینا در ایران از سوی دیگر توجه کنیم با حرکت آمریکا لیسیم آمریکا مشخص تر می‌گردد. آمریکا لیسیم آمریکا از اوچ گیری انقلاب در ایران به شدت هراسان است می‌کودتای قدرت و موقعیت فاش شده خود را در ایران دوباره بدست آورده و برای این منظور اقدامات سرکوب - گرا به هیات حاکمه ایران علیه خلفها و زمینکنان این کشور را به اقدامات مستقیم باندهای سرسپرده بسوند میزند. آمریکا در همین حال می‌کودتای سیاست خود را با ایران با همت رژیم جمهوری اسلامی "سپهبد" بخشد، از طریق باندهای اویسی و بخینا روارش تا هتای اسلام آورده نیز عمل میکند. کودتای شکست خورده اخیر آمریکا در ایران بیان مشخص چنین سیاستی میباشد اما آمریکا لیسیم آمریکا منگه شدت

بافت نا جزیره "سیره" و بنا در مسقط یعنی "مشره" و "سلاله" را زیر کنترل خود در بریا و رود فرودگا همای "سب" و "تا رما ریت" را مورد استفاد نظامی نیروهای خود قرار دهد. بدینا ل این اقدام، آمریکا با یگای همای خود را گسترش داد. خط با یگای از "سیره" در (عمان) به مومبا (کنیا) اوسپس به بربره (سومالی) رسیده و بدینا ل آن به مصر کشیده میشود.
در روز ۱۳ نوامبر ۱۹۷۷ "زیا دباره" رئیس جمهوری سومالی "فرار دادولنی" با "شوری که از سه سال پیش بسته بود را لغو کرد. و بدینا ل آن شش هزار کارکن نظامی و غیرنظامی سوسال آمریکا لیسیم شوری از

در منطقه قبا نوس هند و خلیج فارس آمریکا لیسیم آمریکا به قبا لیت شدیدی دست زده است. علت این تند تند قبا لیت از دو جهت قابل توضیح است:
۱- رشد جنبشهای انقلابی، متزلزل بودن رژیم - های ارتجاعی و به خطر افتادن منافع غارتگرانه آمریکا، این کشور را بر آن میدارند تا بیش از هر زمان دیگر برای مقابله و سرکوب انقلاب به تدارک همه جانبه دست بزنند.
۲- سوسال آمریکا لیسیم شوری میکودتای در راه تا مین منافع آمریکا لیسیم خود به نفوذ گسترده تری دست بزند، این امر آمریکا لیسیم آمریکا را او میدارد تا به رفاقت بیشتری با شوری بپردازد.
برای توضیح بیشتر این مسائل به توضیح مختصر سیر حرکت آمریکا لیسیم با تکی در این نقطه از جهان در دوره اخیر می‌پردازیم:
در واقع خارج شدن نیروهای نظامی آمریکا لیسیم انگلیس از عدن در سال ۱۹۶۷، سقوط امپراتوری انیسوی در سال ۱۹۷۴، سرنگونی رژیم سرسپرده شاه در سوریه ۱۹۷۹، اشغال افغانستان توسط نیروهای اشغالگر روسیه شوری و در یک برآیند عمومی برآ مدجنش خلقها و تدارک در منطقه، آمریکا لیسیم - لیسیم خونخوا را به فعالیت گسترده ای جهت تحکیم موقعیت خود در این منطقه سوق داد. سرنگونی رژیم و بسته و آمریکا لیسیم شایه شانس در ایران به موقعیت آمریکا لیسیم در ایران شدیداً لطمه زد. اگرچه رژیم جمهوری اسلامی بر اساس ماهیت خود نمی‌تواند نسبت علیه آمریکا لیسیم آمریکا و قبا به مبارزه بر خیزد، اما به هر بخت نظام ما هتای که کاملاً در خدمت آمریکا لیسیم آمریکا بسود موقعیت فاش شده آمریکا در ایران شدیداً متزلزل ساخت. رژیم شاه زاندا رما با تکی ها در منطقه سودا ل آنکه رژیم جمهوری اسلامی علیه ما هیت ارتجاعی خود دیگر جنبش نقش را بازی نمی‌کند، به علاوه رشد و تدارک جنبش و انقلاب در منطقه و بخصوص ایران و حرکت توسعه طلبانه سوسال آمریکا لیسیم که بطور سازمان یافته خود را در اشغال افغانستان نشان داد آمریکا را واداشت تا به تجهیزات نظامی وسیعی دست بزند.
در مورد اقدامات آمریکا لیسیم

در روز ۱۳ نوامبر ۱۹۷۷ "زیا دباره" رئیس جمهوری سومالی "فرار دادولنی" با "شوری که از سه سال پیش بسته بود را لغو کرد و بدینا ل آن شش هزار کارکن نظامی و غیرنظامی سوسال آمریکا لیسیم شوری از این کشور بیرون رفته و شوری تسهیلات نظامی خود را از دست میدهد. اما رژیم نوکر صفت سومالی در مقابل یک "کمک" نظامی چهار صد میلیون دلاری، با یگای "بربره" را در اختیار آمریکا لیسیم آمریکا قرار میدهد.



این کشور بیرون رفته و شوری تسهیلات نظامی خود را از دست میدهد. اما رژیم نوکر صفت سومالی در مقابل یک "کمک" نظامی چهار صد میلیون دلاری، با یگای "بربره" را در اختیار آمریکا لیسیم آمریکا قرار میدهد. در حال حاضر آمریکا میکودتای هر چه سریعتر تجهیزات نظامی خود را در این با یگای مستقر نماید. بدینا ل این اقدامات رژیم خاش با دات تسهیلات گسترده ای در اختیار آمریکا میگردد. از جمله این تسهیلات - با یگای نظامی میباشد:

آمریکا منجمله به این موارد میتوان اشاره کرد:
با توجه به تحولات منطقه آمریکا به تقویت با یگای نظامی - استراژیکی دیگوارسیا (در قبا نوس هند) بپرداخت و حضور نیروهای تجا و زی دریایی خود را در قبا نوس هند و خلیج فارس قبا لیت نمود. در حال حاضر ۲۲ کشتی جنگی آمریکا در آبهای این منطقه در رفت و آمد می‌باشد. به علاوه آمریکا یک سلسله فراردهای نظامی با رژیمهای منطقه منعقد نمود: در ژوئن ۱۹۸۰ طبعاً فراردهای با قابوس سلطان عمان، آمریکا امکان

شبه تجاوزی خود را در منصفه در برابر انقلاب خلق و در مقابل با آمریکا لیسیم شوری مستحکم؟ و در پی آنست تا ایران را به یک سکوی پر قدرت تجا و زی تبدیل نماید. و در این راه با تمام قدرت تلاش میکند. خلاف نغمه‌های شوم ریزیونیستهای سجاهی که در پی خواب کردن توده - ها سببا شدند آمریکا لیسیم خنوا را آمریکا کماکان هار و درنده و متجا و زیاتی مانده است و تا زمانی که حتی یک دندان برایش باقی مانده است و تا علیه خلقها بقیه در صفحه ۶

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می‌کنیم!

خطاب به کلیه رفقا، اعضا و هواداران سازمان! «در رابطه با جنگ ایران و عراق»

رفقا! جنگ بین رژیم فاشیستی عراق و رژیم جمهوری اسلامی ایران بالا گرفته است. وظیفه کمونیست‌ها در این جنگ عارت است:

۱ - امضای ماهیت‌خواه‌کارانه، ارتجاعی و غیرعادلانه بودن جنگ و توضیح اینکه این جنگ و ادامه آن از طرف رژیم‌های ایران و عراق، جنگی است علیه خلق‌های هر دو کشور.

۲ - رعایت دقیق‌ترین تبلیغات را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و آگاه‌سازی سازمان‌ها و فرزندانش و عوام‌فریبی‌ها و سپهر‌فریدارهایی که رژیم جمهوری اسلامی ایران جنگ می‌نماید، براه‌اندازند.

۳ - رفقا! راست در تشبیه اخبار و گزارشات مربوط به وضعیت، نتایج و عوارض جنگ ارتجاعی موجود و عکس‌العمل توده‌ها، بویژه در مناطق جنگی بلحاظ انعکاس اخبار درست برای توده‌ها تلاش نمایند.

۴ - رفقا، با حرکت از این رهنمود استراتژیک که سرانجام باید جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل نمود و برای آمادگی در مقابل وضعیتی که بهترین‌ترین، مارادرفقابل یک جنگ داخلی قرار دهد، میبایست در جهت تدارک سیاسی - نظامی و با زمان‌بندی صاف مستقل انقلابی و گسترش جنبش انقلابی توده‌ها تلاش نمایند.

۵ - منظور کمک به توده‌های خلق که در ارتجاعی‌کنونی دچار مصائب شدید شده‌اند، ضروری است، فعالیت‌های نظامی امکان‌ناپذیر، داروئی، حفاظتی و کلیه اقدامات امدادی را بسنج و در خدمت توده‌های زجرکشیده بکارگیرید.

بدون شک این اقدام انقلابی حمایت و امداد، در خدمت توضیح و تبلیغ سیاسی مبتنی بر افشای اهداف ارتجاعی جنگ کنونی چه از طرف دولت‌ها و چه رژیم ضد خلقی عراق خواهد بود.

تجدیدی نیست که در شرایطی که توده‌ها وسیع‌تر توهم سرزمینی برند و تحت تبلیغات بی‌سبب شویستی سرزواری حاکم روبرویونیست‌های خادم آنها، برای تبدیل شدن به سنگ‌آسیاب این جنگ غیرعادلانه شدید اود سطح کشیده‌ای تشبیه شده‌اند، انجام وظایف فوق‌بطور تاکتیکی در سازش و در ابتدا حکم سازگاری در مقابل جهت‌آوردی آنها را در نظر بگیرند. اما اگر به استراتژی خود ایمان داشته باشیم و اگر در تعیین این استراتژی از موضع منافع تاریخی و طبقاتی طبقه کارگر توده‌ها حرکت نکنیم، و نه از موضع وضع فعلی آگاهی و توهم آنها (آنگاه در خواهم یافت که گاه باید بقول رفیق استالین، از یک «گامیابی تاکتیکی» در جهت بدست آوردن یک «گامیابی استراتژیکی» چشم‌پوشی نمود و این بحاطرات است که این «گامیابی استراتژیکی» «مدفون» نگردد!

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم کنیم!
جنگ تحمیلی ارتجاعی را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۰/۷/۲

اعلام شماره ۹۷۰

انقلابی است که با مدعیان خود، حال آنکه در مناطقی که توده‌ها هنوز در سلطه رژیم فاشیستی عراق و رژیم ضد خلقی ایران و عراق است، سوسیالیستی و لغات‌های «انقلابی» در زمینه‌های ارتجاعی وجود ندارد. دست‌زدن به سلاح میسوا بدست‌موان یک عمل فوری در دستور روز قرار گرفته و دست‌ها را از کار می‌اندازد. سازمان‌های سوسیالیستی که در این مناطق فعالیت می‌کنند، اگر عمل مسلحانه را خارج از سطح جنبش توده‌ای و جلوس‌آوردن صورت‌کنند، این عمل در حکم یک عمل جداگانه است و میسر نمی‌گردد. این عمل جداگانه در حالیکه بر عکس، هرگونه جوساوری نسبت به رژیم جمهوری

اسلامی و هرگونه حطت «عدا امپریالیستی یا «ملی» برای آپ فائل شدن، برخوردی را سرزنش می‌کند. روبروی سوسیالیستی و خدمت به ارتجاع خواهد بود. و اما جنگ ارتجاعی فعلی، قطعا روند «جنگ داخلی» در زمینه‌ها را تسریع خواهد کرد. مجلسی را بیکر رژیم حاکم در ایران می‌کند تا تسلط و وسع و مسجوم کننده خود را علیه انقلابی روبرو شده‌ای در جامعه با نوا رنده و آسرا آنها رساند. لکن بحران انحصاری - سیاسی، آگاهی روزافزون توده‌ها، شناسایی سوسیالیستی به ارضه ۱۶

مطلبی است که با مدعیان خود، حال آنکه در مناطقی که توده‌ها هنوز در سلطه رژیم فاشیستی عراق و رژیم ضد خلقی ایران و عراق است، سوسیالیستی و لغات‌های «انقلابی» در زمینه‌های ارتجاعی وجود ندارد. دست‌زدن به سلاح میسوا بدست‌موان یک عمل فوری در دستور روز قرار گرفته و دست‌ها را از کار می‌اندازد. سازمان‌های سوسیالیستی که در این مناطق فعالیت می‌کنند، اگر عمل مسلحانه را خارج از سطح جنبش توده‌ای و جلوس‌آوردن صورت‌کنند، این عمل در حکم یک عمل جداگانه است و میسر نمی‌گردد. این عمل جداگانه در حالیکه بر عکس، هرگونه جوساوری نسبت به رژیم جمهوری

بقیه ارضه ۲ جنگ غیرعادلانه ...

ارایه که مبارزانی بوده‌ها علیه رژیم‌های ارتجاعی خودشان سخت‌گیری کند. جلوس‌گیری و واضح است که چنین سیاسی نمی‌توانست در تکامل خود درگیری - های مسلحانه و جنگ آسرا رساند. رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق از طریق این جنگ در نهایت می‌کوشند تا با ارتجاعی خود را در منطقه با مناسبت بلکه علاوه بر این و مهم‌تر از آن می‌کوشند تا سوسیالیست‌ها را با جنگ ضد انقلابی، با مبارزانی انقلابی در هر دو کشور با یکدیگر سرچشمند. واضح است که در این سیاست ارتجاعی رژیم‌های دو کشور، امپریالیسم مختلف و سوزده امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم امپریالیسم روس می‌کوشند تا از یک‌دیگر الودما می‌گیرند و علاوه بر سرکوب انقلاب در این دو کشور در تمام منطقه (بسیار کم‌تر از آمریکا) در سرکوب و اعمال افکارشان توسط روسیه و ... به‌عنوان امپریالیسم بین‌المللی برودا حمله و نفوذ و تسلط خود را بر ایران دیگری و بر علیه خلق‌ها در منطقه توسعه می‌دهند.

● کمونیست‌ها باید با قاطعیت تمام این جنگ ارتجاعی را که هدف خود را مقابله با جنبش انقلابی در دو جامعه ایران و عراق و حرکت روبرو شدن قرارداد شده است، محکوم نموده و با جدیت تمام از حمایت انقلاب و گسترش جنبش توده‌ای در این دو کشور دفاع نمایند.

بسیار برای واضح است که حرکت در این جنگ به نفع توده‌ها و «میهن» نمی‌تواند چیزی جز مصائب است. جنبش و انقلاب خلق‌های دو کشور و خدمت به بورژوازی و امپریالیسم با دو رژیم روموع کمونیست‌ها در مقابل جنبش جنگ غیرعادلانه، نخواهد کار را به ارتجاعی‌ای، همانا محکوم نمودن آن و رژیم‌های عدا انقلابی هر دو کشور است.

در این جنگ، هرگونه موضع سوسیالیستی، هرگونه عدم موضع‌گیری نسبت به یکی از رژیم‌های ارتجاعی به اسم «عدا دنیا کشی» و از این قبیل، همانا خیانت به انقلاب و کمک به ارتجاع و بورژوازی حوسدی در سرکوب انقلاب است.

سازاری که امروزه تمام نیروهای انقلابی و در رأس آنها کمونیست‌ها با نداشتن سلاح کرده و میمانند توده‌های مردم می‌سیرند، سراسر تحریم است جنگ تحمیلی و ارتجاعی و تبدیل آن بیک جنگ عادلانه علیه رژیم‌های ارتجاعی درگیر در جنگ و در منطقه است.

کمونیست‌ها و انقلابیون باید بدانند که توده‌ها رفیقان و اهداف واقعی هر دو رژیم را که در بوسه لغات‌های مبارز و برک و کلمات «انقلابی» سوسیالیستی ادا می‌نمود رسوا کرده‌ها و رسوده‌ها بخوابند که بجای گرفتن سلاح بر روی یکدیگر برای سلاح در مقابل حکومت‌های ارتجاعی خود می‌گیرند.

واضح است که مدعیان این سازمان‌ها در صورتیکه به تبلیغی و سوسیالیستی صورت یک شعار عملی، به سطح جنبش توده‌ای در این دو کشور و حمایت عمومی انقلاب در آنها و با هم‌بستگی آن مربوط است. اگر توده‌ها در مناطقی سواست‌ها شده‌ها و لروم بر گرفتن سلاح بی‌برده و جا می‌سیرند این کار با شد، واضح است که بدون

جنگ تحمیلی ارتجاعی را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی - ۶ -

ما نوشتیم که انحراف رویزیونیستی رفقای رزمندگان در قبال سوسیال امپریالیسم روس بنا بر تجربه عرصه های دیگر اریاست این رفقا کشیده میشود ما دیدیم که این انحراف چگونه در تحلیل از جایگاه بین المللی امپریالیسم شوروی و استراتژی و تاکتیک بین المللی رزمندگان منعکس میگردد. در اینجا می گوئیم تا اسعکات دیگری از انحراف رویزیونیستی این رفقا را نشان دهیم.

ترسوسیال امپریالیسم یک اصل مارکسیستی است

"رزمندگان" می نویسد: "ما اعتقاد داریم سوسیال امپریالیسم را مرز و بطنه جنبش کمونیستی نمیدانیم یعنی معتقد نیستیم که کلیه نیروهای که جامعه شوروی را سوسیال امپریالیستی ارزیابی نمیکند صرفاً به همین اعتبار خارج از جنبش کمونیستی قرار دارند و در نتیجه جریانی رویزیونیستی محسوب میگرددند." (شماره ۷) و در جای دیگری می گوید: "چگونه می توان جریانی را که ترسوسیال امپریالیسم را از مرز و بطنه جنبش کمونیستی می شمارد، با جریانی - ما ندانم - که ترسوسیال امپریالیسم را - حتی با وجود پذیرش نسبی - نه از مول جنبش کمونیستی و نه مرز و بطنه آن میدانند، در تشکیلات واحدی در کنار هم قرار داد؟" (شماره ۵)

اولین مسئله ای که باید روشن ساخت اینست که آیا ترسوسیال امپریالیسم شوروی یکی از معیارها و اصول جنبش کمونیستی بشمار می آید یا نه؟ بنظر ما مرزبندی با رویزیونیسم (در همه اشکال آن) معیار اساسی و مهمی است که مارکسیسم لنینیسم را از ایدئولوژی بورژوازی جدا می کند. تنها خط کشی روشن بین سوسیالیسم است که نتوان میدهند نیروی در معوق جنبش کمونیستی جای دارد یا ندارد. بقول لنین: "شکل کمونیسم را استین قطع رابطه با اپورتونیسم است" (سخنرانی در باره مساله اییتالیا). یعنی ای دیگری جریانی که با رویزیونیسم و اپورتونیسم قطع رابطه نکرده و دارای مرزبندی مشخصی با آن نیستند خود در گردا بر رویزیونیسم می باشند زیرا استواری سوسیالیسم لنینیسم را استین جدا از هم از مرز و بطنه جنبش کمونیستی علیه رویزیونیسم نمی باشد.

ولی مسئله به این جا تمام نمی شود. امروز یکی از اشکال برجسته رویزیونیسم همان سوسیال امپریالیسم است. مرزبندی دقیق با سوسیال امپریالیسم بیابان فاطمیت در مرزبندی و مبارزه علیه رویزیونیسم می باشد. جریانی که با سوسیال امپریالیسم شوروی یعنی به یک قدرت امپریالیستی مرزبندی نداشته باشد، در حقیقت امر دچار انحراف رویزیونیستی بوده و در برابر ایگاه اصلی رویزیونیسم جهانی یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی دارای تزلزلات بورژوازی - رویزیونیستی می باشد. البته روشن است که هر مرزبندی با سوسیال امپریالیسم قابل تأیید نیستی باشد. امروز ما رزمندگان بورژوازی حاکم صحبت از "سوسیال امپریالیسم با امپریالیسم شرق" می کنند. امروز رویزیونیستهای خدا نقلی جیتی و سه جهانی های نوگرمش وطنی صحبت از "سوسیال امپریالیسم" میکنند ولی بیرواح است که این نیروهای خدا نقلی از موضع بورژوازی علیه شوروی موضع گرفته و این موضع بیان رقابت فیما بین نیروهای بورژوازی و سرمایه -

متقابل کرده و طی یک روند از شدت با ایدئولوژیک آن جریان رابه گرداب رویزیونیسم می کشاند. حال ببینیم رفقای رزمندگان چه میگویند. این رفقا بر اساس همان تزلزلات رویزیونیستی خویش مطرح می - سازند که ترسوسیال امپریالیسم "از مرز و بطنه جنبش کمونیستی" بشمار نمی آید. ما می برسیم به چه دلیل این ترما رکستی جزوا مول جنبش کمونیستی بشمار نمی -

داری می باشد. تنها هدفی که اینا ن تعقیب نمی کنند همان منافع و آرمان پرولتاریاست. آری تنها مرز - بندی و خط کشی ای مورد تأیید ماست که با هدف دفاع از آرمان و ایدئولوژی پرولتاریاست و از موضع سوسیالیسم است که این تزلزلات را "از مرز و بطنه جنبش کمونیستی" بشمار نمی آید. ما می برسیم به چه دلیل این ترما رکستی جزوا مول جنبش کمونیستی بشمار نمی -

- مبارزه علیه رویزیونیسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم بهیچوجه جدا نیست و اگر موضع علیه رویزیونیسم خروشنجی یکی از اصول جنبش کمونیستی است - که هست - موضع علیه سوسیال امپریالیسم نیز یکی از دستاوردها و اصول جنبش بشمار می رود. اما تزلزلات رویزیونیستی رفقای رزمندگان آنرا به نقطه ای کشانده است که این ترما رکستی را "از مرز و بطنه جنبش کمونیستی" ندانند.
- کسانی که مضمون سوسیال امپریالیسم را در مورد شوروی تا حد ایدئولوژیک یا تئین آورده و ساخت امپریالیستی آنرا به دست فراموشی می سپارند، در این ترما رکستی دست به تحریف میزنند. اطلاق سوسیال امپریالیسم سیاسی در مورد شوروی جز تحریف چیز دیگری نمی تواند باشد. سوسیال امپریالیسم شوروی یک مقوله سیاسی اقتصاد ای است و فقط پذیرش چنین استنباطی است که صحیح و قابل اتکالی می باشد.

آید؟ مگر نه آنکه مبارزه بیکیمر مرزبندی قاطع لینیستی علیه اپورتونیسم تا ترنا سونال دومور هیوان مرتدان به طرد این جریان رویزیونیستی کشیده شد و مرزبندی با آن ملاک تشخیص بلشویکها از اپورتونیستها و منشویکها گردید؟ مگر نه آنکه مبارزه کمونیستهای جهان و بخصوص مبارزه حزب کارآلانی به رهبری رفیق انور خوجه و حزب کمونیست چین به رهبری رفیق ما شوعلیه رویزیونیسم خروشنجی به افتا و طرد این جریان خائشانه کشیده شد و مرزبندی با آن ملاک تشخیص کمونیستها از اپورتونیستها و رویزیونیستها گردید؟ و مگر نه آنکه از جمله نتایج این مبارزه سترک ضد رویزیونیستی، ارائه ترما رکستی سوسیال امپریالیسم میا شد؟

امپریالیسم است. این تزیله اعظ اهمیت سیاسی - ایدئولوژیک بسیار مهم خود به یکی از اصول اساسی جنبش مارکسیستی لنینیستی تبدیل گردیده است. بدین ترتیب جریانی که بطور کامل علیه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم مرزبندی دارند، جز وظیف پیشرو و پیگیری جنبش کمونیستی می باشند (۱) و جریانی که فاقد مرزبندی علیه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم می باشند، جز و قطب اپورتونیست ها و رویزیونیستها می باشند. ولی گذشته از دو حالت فوق نیروهای وجود دارند که در برابر رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم دچار تزلزل و انحراف رویزیونیستی می باشند، چنین نیروهای که هنوز به ارتداد رویزیونیستی کشیده نشده اند، جز جنبش کمونیستی محسوب میشود، لیکن نه در طیف پیشرو آن، بلکه در طیف نا پیگیری آن قرار دارند، با پیگیری این نیروها از آنجا ناشی میشود که دچار انحرافات بورژوازی بوده و نتیجتاً دارای مرزبندی پرولتری قاطعی علیه رویزیونیسم نیستند و همین لحاظ فاقد موضع روشن و قاطع علیه سوسیال امپریالیسم می باشند. ما چنین نیروهای را از آن جهت نا پیگیری میدانیم که با درک و استنباط پرولتری از برخی موازین اساسی ایدئولوژی پرولتاریا ندارند و به سبب انحراف ایدئولوژیک خود یکی از مواضع اصولی جنبش کمونیستی بین المللی یعنی ترسوسیال امپریالیسم را قبول ندارند روشن است که تعمیق این انحراف رویزیونیستی یک جریان را هر چه بیشتر بستم اردو کار رویزیونیسم (۱) - روشن است که معیارهای طیف پیشرو و پیگیری جنبش مارکسیستی فقط موضع قاطع علیه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم می باشد.

پس بیرواح است که در مبارزه علیه رویزیونیسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم بهیچوجه جدا نیست و اگر موضع علیه رویزیونیسم خروشنجی یکی از اصول جنبش کمونیستی است - که هست - موضع علیه سوسیال امپریالیسم نیز یکی از دستاوردها و اصول جنبش بشمار می رود. اما تزلزلات رویزیونیستی رفقای رزمندگان آنرا به نقطه ای کشانده است که این ترما رکستی را "از مرز و بطنه جنبش کمونیستی" ندانند. لنین در "جهت با دیگر" می گفت هر کسی که به مقاومت و پایداری در برابر ایدئولوژی بورژوازی کم بها دهد عملاً به "تغویب نمودن ایدئولوژی بورژوازی" در معوق طبقه کارگردست میزند. و امروز مگر نه اینست که رویزیونیسم ایدئولوژی بورژوازی و نشان نفوذ بورژوازی می باشد و مگر نه این است که سوسیال امپریالیسم حاکمیت ایدئولوژی و طبقه بورژوازی امپریالیستی و اقتیاد امپریالیستی می باشد؟ پس زمانی که رفقای رزمندگان ترسوسیال امپریالیسم را به یک اصل مارکسیستی در می کشند و

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

عملاً جنبش کمونیستی را در برابر سرکوب‌های سوسیال امپریالیستی شوروی می‌حفاظد می‌نماید. آیا به "تقسیم نفوذ ایدئولوژی بورژوازی" در صفوف جنبش ما می‌رسد نمی‌رساند؟

دومین مسئله‌ای که با بدروشن ساخت اینجاست که رفقای رزمندگان می‌گویند نیروهای که ما می‌شناسیم شوروی را سوسیال امپریالیستی می‌دانند "صرفاً به همین اعتبار خارج از جنبش کمونیستی" هستند. در اینجا این رفقا می‌خواهند ما را متوجه کرده و وظیفه‌ی سنگین و طیف‌ناپسند جنبش کمونیستی را در یک صف قرار داده‌اند. حال آنکه با بدقیق برخورد کرد، خط فاصل‌ها را روشن کرده‌ایم. به هیچ انحرافی سیاست سازگارانه اتخاذ نمی‌نماید. اگر امروزه برخی از نیروهای مارکسیستی ایران در برخورد به سوسیال امپریالیسم دچار تزلزل و انحراف می‌باشند این درست است که خارج از جنبش کمونیستی قرار نگیرند، لیکن جزو طیف بیشتر و پیگیر آن نیز بشمار نمی‌آیند. رفقای رزمندگان این مسئله را می‌توانستند می‌فکند و در دولتی ما از این رفقا می‌خواهیم تا به صورت، نظر خود را در این زمینه روشن سازند.

و بالاخره سومی مسئله‌ای که با بدروشن ساخت این است که رفقای رزمندگان صحبت از "پذیرش نسبی" تری سوسیال امپریالیسم می‌کنند. رفقا، برای ما روشن کنید که "پذیرش نسبی" به چه معنی است؟ مگر یک نیروی کمونیست اصول مارکسیسم لنینیسم را می‌تواند تکلیف "نسبی" بپذیرد؟ تری سوسیال امپریالیسم همان واقعیت ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد امپریالیستی شوروی می‌باشد. کسی که مضمون سوسیال امپریالیسم را در مورد شوروی تا حد ایدئولوژیک یا بین آورده و ساخت امپریالیستی آنرا به دست فراموشی می‌سپارند، در این تری مارکسیستی دست به تحریف می‌زنند. اطلاق سوسیال امپریالیسم به سوسیالیسم در مورد شوروی جز تحریف چیز دیگری نمی‌تواند باشد. سوسیال امپریالیسم شوروی یک مقوله سیاسی اقتصادی است و فقط پذیرش جنبش استیلاطلبی است که صحیح و قابل اتکا می‌باشد. درست است که رفقای رزمندگان، دیکتاتور پرولتاریا را سوسیالیسم را در شوروی نبوده می‌دانند، اما در مورد اینکه چه پدیده‌ای جایگزین پدیده قبلی گشته، دیدگاه روشنی نداشته و دستخوش انحراف می‌باشند. این رفقا بدروستی جنبه نفی سوسیالیسم در شوروی را می‌بینند اما جنبه اثباتی حاکمیت سرمایه‌داری در شوروی را نمی‌بینند و به همین خاطر هنوز به تری سوسیال امپریالیسم می‌مانند. یک مقوله سیاسی - اقتصادی اعتقاد ندارد و در مورد "پذیرش نسبی" این تری از جانب رزمندگان کوتاهی است. برای تخفیف نشان دادن انحراف ریزبونیستی شان، علاوه بر اینها افزودند که اگر این رفقا تری سوسیال امپریالیسم را جزو اصول جنبش کمونیستی قرار نمی‌دهند، سبب نیست، زیرا در حقیقت این تری مورد قبول این رفقا نمی‌باشد. حال آنکه ما میدانیم کمونیستها اصول کمونیستی را قبول دارند!

تری سوسیال امپریالیسم و وحدت جنبش کمونیستی

ردا دل در عرصه سیاست نمی‌تواند در عرصه تشکیلات انعکاس نداشته باشد و این واقعیتی است که در مورد رفقای رزمندگان نیز صادق می‌کند. قبل از هر چیزی

سیستم رفقا چه می‌گویند: "در مورد وحدت ما تنها با حزبانی می‌توانیم وحدت کنیم که اکثریت را سوسیال امپریالیست حساب نمی‌آورند. حداقل شوروی را کشور آزادی نمی‌دانند که در آن دیکتاتور پرولتاریا حاکمیت نداشته و سیاست خارجی آن بر بنیاد اشتراک سوسیالیسم برولتری قرار نداشته بلکه ضد خلقی و توسعه طلبانه است." (رزمندگان شماره ۷) به بیان دیگر اگر بخواهیم سخن رزمندگان را روشن و خلاصه بیان کنیم چنین است: نیروهای مارکسیستی که تری سوسیال امپریالیسم را قبول دارند و با قبول ندارند می‌توانند با هم وحدت کنند.

سازمانی بشمار می‌آید به علاوه ما برخلاف رفقای رزمندگان، تزلزل و انحراف ریزبونیستی را در وحدت تشکیلاتی به رسمیت نمی‌شناسیم. آنچه رفقای رزمندگان پیشنهاد میکنند کوتاه آمدن در قبال اصول می‌باشد، کوتاه آمدن در برابر انحراف ریزبونیستی می‌باشد. ما مدد در مخالفت این کوتاه آمدن ابورتونیستی می‌باشیم. درست است که رزمندگان نگفته اند با ریزبونیستی - نیستها با بدوحدت کرد، ولی جوهر سیاست آنان طرح وحدت با انحراف ریزبونیستی می‌باشد و جوهر جنبش سیاسی جز "قرابتی کردن منافع در ازمدت و حیاتی

ما برخلاف رفقای رزمندگان، تزلزل و انحراف ریزبونیستی را در وحدت تشکیلاتی به رسمیت نمی‌شناسیم آنچه رفقای رزمندگان پیشنهاد می‌کنند کوتاه آمدن در قبال اصول می‌باشد، کوتاه آمدن در برابر انحراف ریزبونیستی می‌باشد، کوتاه آمدن در برابر انحراف ریزبونیستی می‌باشیم.

حزب در ازای منافع لحظه‌ای زودگذر و ناشی نمی‌باشد.

حال آنکه سیاست ما دفاع از یکاگر می‌باشیم لنینیسم است، دفاع از خط مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف غیر پرولتری است، دفاع از وحدت مستحکم و بدون خدشه سیاسی - ایدئولوژیک است. ما معتقد به تشکیلات ائتلافی نیستیم، زیرا این تشکیلات نه تنها شکننده است، بلکه جزئی هژمونی پرولتری حاصل دیگری ندارد. ما معتقد به وحدتی می‌باشیم که بر مزی‌بندیهای دقیق و اصول استوار مارکسیسم لنینیسم قرار دارد و بر آنیم که هرگونه وحدتی که این اصول را در نظر نگیرد محکوم به شکست است. لنین میگفت: "پیش از آنکه متحد شویم و برای آنکه متحد گردیم ابتدا بطور قطعی و صریح لازم است خط فاصلی بین خود قرار دهیم." و رفیق استالین در تاریخچه مختصر حزب بلشویک می‌نویسد: "چنانکه هنگام تندرستی زخم را نمی‌توان تحمل کرد، در محیط خود نیز ابورتونیسم را نمی‌توان تحمل نمود"

بر اساس این سیاست است که ما به رفقای رزمندگان می‌گوئیم سیاست شما در مورد وحدت جنبش کمونیستی در پی آن نیست تا "بطور قطعی و صریح" خط فاصل بکشند و مارکسیسم لنینیسم را از انحراف ریزبونیستی دور بدارد. ما به رفقای رزمندگان می‌گوئیم شما می‌خواهید زخم ریزبونیستی را در قامت وحدت کمونیست - ها نگاه دارید زخمی که چرکین است و مارکسیسم لنینیسم هیچگاه نمی‌تواند آسایشی با آن داشته باشد. آری برخلاف رفقای رزمندگان که معیار اصولی تری سوسیال امپریالیسم را خواهر مرده وی ارزش جلوه میدهند و آنرا تنها جزو اصول جنبش کمونیستی قرار نداده، بلکه جزو معیارهای وحدت کمونیستها و بناگیز ملاک عضویت در یک شکل کمونیستی در نظر نمی‌گیرند، ما معتقدیم که تری سوسیال امپریالیسم یک اصل ایدئولوژیک جنبش، یک اصل وحدت جنبش و یک اصل تشکیلاتی یک سازمان بشمار می‌آید. جز این هر چه باشد یک انحراف ریزبونیستی است.

ادامه دارد.

همانطور که میدانیم وحدت تشکیلاتی کمونیستها در یک وحدت ایدئولوژیک - سیاسی آنهاست فقط یکاگر و استحکام ایدئولوژی حزبی است که حزب را در برابر دشمنان داخلی و خارجی خود و در برابر انحرافات گوناگون غیر پرولتری پایدار نگاه میدارد. هرگونه تشتت و هرج و مرج ایدئولوژیک به تشتت و هرج و مرج سازمانی می‌انجامد و بیرونی است که نفوذ تزلزلات و روحیه ریزبونیستی و ابورتونیستی در یک تشکیلات تشتت و انحراف ایدئولوژیک را در من زده و سازمان را بسوی گسختگی تشکیلاتی می‌کشاند. سخن جدیدی نیست اگر گفته شود که نفوذ در حزب نشان هرج و مرج در ایدئولوژی است. چرا لنین برای منکوب ساختن اکونومیستها و منتویکها مبارزه میکرد؟ چرا استالین برای منکوب کردن تروتسکیستها و بوخاریستها مبارزه میکرد؟ زیرا لنین و استالین در پی حزبی بولادین بودند که متکی بر ایدئولوژی واحد پرولتاریا است.

حال کمونیستهای ایران در پی کدام حزب می‌باشند؟ حزبی بولادین و متکی بر خط مثنی و ایدئولوژی واحد پرولتری و با حزبی تا پایدار متکی بر اشتلاف کراپات گوناگون؟ کدامیک از این دو حزب در راستای امر پرولتاریا قرار دارد؟ لنین در پاسخ به کولونتا می‌نویسد: "شما تا کید می‌کنید که "برای ما به پیش کشیدن شعار می‌تواند همه را متحد کند" هروری است " من ما دفاع می‌گویم که این با ترس من از یک جنبش وحدت گراشی بدون تمیض بیش از هر چیز دیگر است چه معتقدم که بر خطر ترس امر برای پرولتاریا می‌باشد " (نامه مه ۱۹۱۴ م. کولونتا - ۱۹۱۴)

و حال آنکه سیاست رزمندگان برای وحدت کمونیست - های ایران امر پرخطری برای پرولتاریا میهن ما بشمار نمی‌آید؟ به نظر ما تری سوسیال امپریالیسم یکی از اصول ایدئولوژیک جنبش کمونیستی بوده و به همین لحاظ این تریکی از اصول سازمانی وحدت تشکیلاتی نیز بشمار می‌آید. ما معتقدیم تری ابورتونیستی دوگانه در ایدئولوژی و تشکیلات پرولتاریا نیستیم، ما بر آنیم که اصول وحدت تشکیلاتی کمونیستها بر اصول ایدئولوژی پرولتاریا بی‌انطباقی دارد و آنجا که اعتقاد به تری سوسیال امپریالیسم یک اصل شوروی می‌باشد به همین جهت این تری مارکسیستی شما به یکی از موارد وحدت

رویزبونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اخراج معلمین انقلابی، خدمت به امپریالیسم و مقابله با آگاهی توده‌ها

تصفیه و اخراج عناصر آگاه و انقلابی در ادارات اجمله معلمین مبارز و کمونیست از اداره آموزش و پرورش بود رژیم مپوا. زارات افشای اجباری برخی ساواکبها در آموزش و پرورش، اساسی معلمین انقلابی را نیز در ردیف اساسی آنها جای می‌دهد تا اعتبار معلمین کمونیست و انقلابی را در بین زحمتکشان و توده‌های دانش آموز خسته درآورد.

علاوه بر مپوا و رفوق، رژیم جمهوری اسلامی برای تصفیه و اخراج معلمین انقلابی، فعل تا بستن را انتخاب کرده بود و سرمبانی محاسبات خود، میبندداشت که دانش آموزان انقلابی به علت تعطیل بودن مدارس و عدم تشکیل جنبش دانش آموزی نمی‌توانند بر علیه اخراج معلمین انقلابی خود توسط رژیم مبارزه کنند و برپا به همین سیاست بوده که ما در فعل تا بستن، شاهد اخراج دسته جمعی معلمین انقلابی و مبارزان در تبریز و اهواز، شیراز، و شهرهای دیگر ایران بودیم.

اخراج معلمین آگاه و انقلابی توطئه دیگری برای سرکوب نیروهای انقلابی بویژه کمونیستهاست

"انقلاب فرهنگی" تا کنون بشهادت دهها تن افرزندان انقلابی خلقهای میهن ما انجامیده است. این سیاست سرکوب گرانه رژیم، نه فقط مراکز آموزشی از جمله دانشگاه و مدرسه بلکه خلقهای میهن ما را هدف قرار داده است تا بدینوسیله با ممانعت از فعالیتها و آگاهانه و افکارانه معلمین انقلابی در مدارس در مورد کشتاری که رژیم در کردستان و شهرهای دیگر ایران از خلقها و زحمتکشان برآورد اخته است و با به انزوا کشیدن مبارزات خلقهای تحت ستم با مخصوص خلق قهرمان کرد، اهداف ضد خلقی خود در جهت سرکوب خلقهای زحمتکش را براحتی دنبال نماید.

- معلم انقلابی، عنصر آگاه و آگاهی بخش، پرورش دهنده دانش آموزان انقلابی و مترقی، بواسطه نقیض برجسته اش در تربیت انقلابی، سازندگان فردای انقلاب، در تاریخ انقلابات، همواره مورد سرکوب رژیم - های ارتجاعی و ضد خلقی قرار داشته و دارد.
- جماعت "مکتب" که رژیم بر اساس آن معلمین مبارزان اخراج می‌کند در حقیقت همان ابزاری است که بوسیله آن هیئت حاکمه بویژه حزب جمهوری اسلامی، ضدیت و دشمنی خود را با معلمین کمونیست و انقلابی آگاه گرد در مراکز آموزشی، نشان می‌دهد.
- اخراج معلمین انقلابی و کمونیست توطئه دیگریست بر ضد رشد آگاهی توده‌ها بر ضد طبقه کارگر و زحمتکشان و فرزندانشان و نقشه دیگری برای سرکوب کمونیستها و نیروهای انقلابی و خد متی است که رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم می‌کند.

معلمین مبارز میهن ما به علت تعلقات ایدئولوژیک - سیاسی خود به سازمانهای کمونیستی و انقلابی از یک - سوی و علت داشتن شکل صنفی - سیاسی آگاهانه خود در جهت دفاع از منافع توده‌های زحمتکش و دانش آموزان آگاهی به توده‌ها از سوی دیگر، همواره در معرض مبارزه توده‌ها نقش فعالی داشته و دارند و چه بسا در سازمانهای و ارشده نیروهای انقلابی به جنبشهای سبدهای بویژه جنبش دانش آموزان انقلابی و در حمال است از مبارزات زحمتکشان و خلقهای تحت ستم، حرکتها و جنبشهای انقلابی تا سانی را از خود نشان داده اند. حال معلمین کمونیست و مبارزان طبزیدگی فعال و روزمره سنا توده‌های دانش آموزستوانند ایدئولوژی رهائی - بخش طبقه کارگر را بین آنها تبلیغ و ترویج نموده و بر اساس رهنمودهای نیروهای انقلابی در جهت پیوند هر چه بیشتر مبارزات مراکز آموزشی با مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه ارتجاع حاکم، نشان نمایند.

جماعت "مکتب" که رژیم بر اساس آن معلمین مبارزان اخراج میکند در حقیقت همان ابزاری است که بوسیله آن هیئت حاکمه بویژه حزب جمهوری اسلامی ضدیت و دشمنی خود را با معلمین کمونیست و انقلابی آگاه گرد در مراکز آموزشی، نشان میدهد. ایدئولوژی کمونیستی و انقلابی اساسی به اخراج معلمین کمونیست بسنده نمیکند. چرا که بهنگام استخدام معلمین جدید، با تفتیش عقاید و با جویشهای ساواک کونه میخواند معلمین کمونیست و انقلابی را و طلب استخدام را نفع نموده و کسانیک

چماقداران انقلاب فرهنگی رژیم در آموزش و پرورش به سهانه "پاکسازی" هر روز دهها تن از معلمین انقلابی را همراه با معدودی ساواکی از ادارات آموزش و پرورش اخراج میکنند. لازم است ذکر است که اخراج و تصفیه ساواکبها و وابستگان رژیم مزدور شاه، کسه سردمداران جمهوری اسلامی تحت فشار توده‌ها نبدان دست میزنند. امری نیست که طی چند ماه اخیر برای توده - های زحمتکش میهن ما مطرح شده باشد. نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها و معلمین آگاه و مترقی از همان ابتدای بعد از قیام با مبارزات صراحت برافشا و اخراج ساواکبها و مزدوران رژیم شاه از ادارات و محازات آنها تا کنون ادامه داده اند. آنها با افشای های خود نشان دادند که ساواکبها و مزدوران رژیم شاه همواره سربیدگان امپریالیسم درسی ضربه زدن به خلقهای میهن ما می‌باشند.

رژیم جمهوری اسلامی که در طی حدود یکسال و نیم حاکمیت خود سنا به منافع طبقاتی اش از افشای ساواکبها و مزدوران رژیم شاه سنا به امپریالیسم شاه سرآزوده بود، بعد از بر ملا شدن توطئه‌های امپریالیسم برای انجام کودتا در مرداد ماه گذشته - که با سنا کودتا مورد حمایت ساواکبها و مزدوران شاه نیز بود - و تحت فشار مبارزات توده‌ها و افشای نیروهای انقلابی و برای به اصطلاح انقلابی نشان دادن خود اساسی عده‌ای از ساواکبها و اجمله در آموزش و پرورش را اعلام کرد. اما رژیم از این کار هدف دیگری را نیز دنبال مینماید و آن سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی در تداوم ضد انقلاب فرهنگی خود مبتنی بر پاکیزگی کردن فرهنگ بوسیده و ارتجاعی همراه با سرکوب دانشجویان، معلمین و دانش آموزان انقلابی، بجای فرهنگ انقلابی و مترقی و بویای مورد نیاز جنبش خلقهای ایران، در ماههای اخیر به اخراج کلبه معلمین آگاه و انقلابی دست زده است و کما کسان به این عمل ضد مردمی خود ادامه میدهد. سردمداران وزارت آموزش و پرورش تحت پوشش مکتبی و اسلامی نبودن معلمین اخراجی میخواهند به اعمال سرکوب - گرانه خود جنبه‌های قانونی بخشند. برای هر عنصر آگاهی روشن است که چرا رژیم جمهوری اسلامی، اینچنین با معلمین انقلابی و مبارزان دشمنی میسوزد. معلم انقلابی، عنصر آگاه و آگاهی بخش، پرورش دهنده دانش آموزان انقلابی و مترقی، بواسطه نقیض برجسته اش در تربیت انقلابی، سازندگان فردای انقلاب در تاریخ انقلابات همواره مورد سرکوب رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی قرار داشته و دارد. معلمین آگاه که در ارتباط ملموس با زندگی زحمتکشان و فرزندانشان آنها قرار دارند، به علت پیوند عینی و درک واقعیات توده‌ها و فقر و ستم طبقاتی جاری در جامعه، سنا به وظایف انقلابی خود هرگز تسلیم حمالان چهل و سرما به نشده و تا حد توان خود کوشیده اند در جهت آگاهی دادن به فرزندان کارگران و زحمتکشان و هنگامی با مبارزات طبقاتی آنان از بیستگمان جنبش دمکراتیک - فدا میرا لیستی توده - های زحمتکش میهن ما بوده باشند.

تاریخ جنبش انقلابی خلقهای ایران از جانبازها و مبارزات آشتی ناپذیر معلمین انقلابی و کمونیست حکایت میکند، انقلابیون شهیدی همچون صدیق سرنگی مرغیه احمدی اسکوشی، گرجی بیانی، عبداللهد غزل و دهها معلم شهید کمونیست و انقلابی چه در دوره حاکمیت رژیم وابسته شاه و چه در زمان حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، با مبارزات و شهادت خود نشان داده اند که جز به آگاهی کردن توده‌های زحمتکش و فرزندانشان و جز به راه رهایی کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم نمی‌اندیشند. سنا بر این دشمنی رژیمهای ضد خلقی با معلمین آگاه و انقلابی از همین روست * اینگونه رژیمها، تا بودی خود بواسطه فرهنگ کهن و ارتجاعی خود را در آگاهی و آزادی زحمتکشان و فرزندانشان آنها می‌بینند و بر همین اساس به سرکوب و کشتار معلمین انقلابی و مبارزان دست میزنند.

هیئت حاکمه ایران علاوه بر اعدام معلمین انقلابی در شهرهای مختلف بویژه در کردستان و کتید، علاوه بر دستگیری و زندانی نمودن عده کثیری از آنها، اکنون با در پیش گرفتن سیاست اخراج کامل معلمین انقلابی در پی عمل کردن کامل ضد انقلاب فرهنگی خود می‌باشد بدون شک اخراج و تصفیه معلمین انقلابی، جزئی از سیاستهای سرکوب گرانه رژیم در ضدیت با آگاهی و آزادی زحمتکشان و خلقهای و بخشی از توطئه‌هایی است که سنا م

دربار اخراج دانش آموزان و معلمان انقلابی به مبارزه برخیزیم!

بقیه از صفحه ۱۲ **جنگ غیرعادلانه** ...
 کمونیستی و دستان وردها ثنی که نودها از زورای سه سال
 مبارزه حاد طبقه ثنی با خود حمل میکنند، نهادهای
 امپریالیستی و بحران عمومی در جهان امپریالیستی
 و در منطقه، همه و همه مجموعه عواملی است که جنم انداز
 نوبد خنی را بر پیش روی کمونیستها، انقلابیون و
 توده های مبارز خلق ما میکشاند. دور زیم ارتجاعی
 حکم تجمیلی را برای سد کردن امواج خروشان جنبش
 توده ای بر راه انداخته اند، لیکن گسترش این امواج
 خروشنده بر علیه هر دور زیم اوخ هدر گرفت و طسب -
 داری برای خود آنها خواهد کردید. و این تجربه ای است
 که بارها و بارها در تاریخ به اثبات رسیده است .
 کمونیستها با بدنامی طسب تمام این جنگ ارتجاعی
 را که هدف خود را مقابله با جنبش انقلابی دردوا معه
 ایران و عراق و حرکت روبرو شدن قرار داده است ،
 محکوم نموده با حدیث تمام زحمت انقلاب و گسترش
 جنبش توده ای : : : : : رکتور دفاع نمایند. هرگونه
 لغزش یا مناسجه از این در این وظیفه، در حکم لغزشیدن
 به سمت ضد انقلابی و بیجهت شدن از تمام آرمانهای
 ولای انقلابی است . سپمان نسبت که بورژوازی ارتجاعی
 هر دو کشور می میکنند با بیولنا ریا توده های
 زحمتکش هر دو کشور را از یکدیگر دور کرده، در مقابل هم
 قرار دهد، همانگونه که سعی میکنند با تبلیغ نوبیستی
 منسظ خود، بیولنا ریا و زحمتکشان کشور خود را به جنگ
 پرا در کشی بکشاند، وظیفه کمونیستهاست که اساس
 تبلیغات خود را بر وحدت منافع بیولنا ریا و زحمتکشان
 دو کشور و بر وحدت همه آنها با بورژوازی بطور کلی و
 بورژوازی کشور خودی سبزه قرار دهند .
 وظیفه عمده دیگری که کمونیستها بر عهده دارند،
 افشای شرهات روبرو بیونستیهای رنگارنگ و مواضع ضد
 انقلابی آنها در برابر این جنگ است .
 امروز روبرو بیونستیهای ما سند " حزب توده " و
 سازمان چریکیهای فدائی (اکثریت) اوروبرو بیونستیهای
 سبجه ثنی، جنبش و نمود میسر زنده که رزیم کم توده -
 های خلق جنبه انقلابی را تشکیل داده و توده های
 حاکمه " متحدان " با بدیعا بله با توطئه و نپها هم چرخزند!
 روبرو بیونستیها که نوکر بورژوازی می باشند مرز بین

را به خدمت خود در آورده که از هر نظر مطیع فرهنگ و منطق
 ارتجاعی و تسلیم سیستم پیوسته و عقب مانده آموزشی
 او بوده باشند (به بیگار ۷۲ مراجعه کنید) .
 اخراج معلمین انقلابی و کمونیست توطئه دیگری
 است بر ضد رشتن آکا هی توده ها بر ضد طبقه کارگر و زحمتکشان
 و فرزندان آنها و نقشه دیگری برای سرکوب کمونیستها
 و نیروهای انقلابی و خدمتی است که رزیم جمهوری
 اسلامی بنا میرسد لسم میکند. حافظان سرما به درستی
 آنند که با تکیه بر آکا هی توده های زحمتکش و در نتیجه
 توهم آنها، مانع ارتعمیق مبارزات ضد ارتجاعی و ضد
 امپریالیستی زحمتکشان منهن ما گردند و سپمین خاطر
 هر تنها دا انقلابی و مترقی و هر قشر آکا ها حتما عی راه
 انواع سبوه ها سرکوب میکنند. سرکوب آکا هی خواست
 امپریالیسم و یکی از ملزومات حاکمیت نظام موفتر هک
 پیوسته و منسظ سرما به داری وابسته است. تصفیه و
 اخراج معلمین انقلابی و سبزه کمونیست از جمله
 اهدافی است که امپریالیسم و ارتجاع برای ناسودی
 نیروهای انقلابی و سبزه کمونیستها منشا به بیگار -
 ترین و نا طعترین نیروهای ضد امپریالیست میخواهند
 بدان تحقق بخشند .

**معلمین کمونیست،
آموزگاران آگاه و انقلابی!**
 رزیم جمهوری اسلامی به واسطه وحدت خویش از
 فعالیت و کوششهای افشاگرانه و آکا هکرا نه شما، سبزه
 اخراج و تصفیه شما و همکارانتان دست میزند. با توجه
 به اینکه روشنی شما دامنه اخراجیهای ضد انقلابی همکاران
 شما زمداری و آموزشگاهها، بدست رزیم روبرو رکتور کرده تر
 میشود و از سوی دیگر انقلابی جنبشهای توده ای سبزه
 توده های انقلابی دانش آموزان، به همبستگی و پیوند
 مبارزاتی افشاگر آکا ه و انقلابی از جمله شما نیاز دارد
 تشکیل مبارزاتی و شرکت فعال شما در مبارزات توده ها
 بیش از هر زمان دیگر ضرورت می یابد. بنا بر چنین
 شرایطی وظیفه شماست :
 ۱- با تشکیل و سازماندهی مبارزات خود به اشکال
 افشاگرانه، میتینگهای اعتراضی و نظا هرات ...
 متحدان شما تصفیه و اخراج ضد انقلابی معلمین کمونیست
 و انقلابی توسط رزیم به مقابله بر خیزند و ضمن افشای
 نقیشتن عقا بد در اتحاد معلمین با تمام قوا برای باز
 - گرداندن همکاران انقلابی اخراج شده خویش
 مبارزه کنید .
 ۲- تصفیه و اخراج معلمین کمونیست و انقلابی
 را به مفهوم جزئی رسانستهای ضد مکرانیک رزیم در
 سرکوب نیروهای انقلابی، خلقها و زحمتکشان را در سر
 توده های زحمتکشان از طریق تماس مستقیم با آنها با از
 طریق اعلامیه تراکت و نشریات افشاگرانه، افشا
 نما بندونشان دهید که این اقدام رزیم جلوه های ار
 ما هیت ارتجاعی آن است .
 ۳- مبارزات انقلابی خود بر علیه ارتجاع حاکمه
 را حول مبارزات طبقه کارگر متشکل کنید و ضمن حمایت
 فعال و بیگمرا زما رزه کارگران آنها را برای حمایت
 از مبارزات خود جلب کنید .
 ۴- با شرکت فعال در جنبش دانش آموزان انقلابی
 در سازماندهی و ارائه رهنمودهای انقلابی لازم بسبزه
 آنها مجددا نه تلاش کنید .
 ۵- با افشای جریاتهای روبرو بیونستی و ضد انقلابی
 و سازشکارانه در بین خود، مبارزات خود را هر چه بیشتر

- پیشنهاد برای مطالعه**
 رفقا! برای درک عمیقتر از موضع سازمان در جنگ
 ایران و عراق، لازم است از سبزه برخورد مارکسیستی
 به جنگ آگاه بود . ما برای شناخت و درک
 مارکسیستی از مقوله جنگ و برخورد کمونیستها به آن
 متون عام زیر را معرفی می کنیم. تا رفقاً ضمن غنی تر
 شدن شناختشان از این مسئله هر چه بیشتر موضع
 مارکسیستی نسبت به جنگ ایران و عراق را تبلیغ
 و ترویج کنند .
 ۱ - سوسیالیسم و جنگ - لنین
 ۲ - نقل قولهایی از لنین درباره جنگ - از
 انتشارات سازمان پیکار
 ۳ - همه به بیگار علیه د نیکین! - لنین - منتخب
 آثار صفحه ۷۰۱
 ۴ - جنگ و سوسیال د مکرانی روسیه - لنین -
 منتخب آثار صفحه ۳۷۸
 ۵ - درباره غرور ملی و لیگا روسها - لنین، منتخب
 آثار صفحه ۳۸۲
 ۶ - درباره جنبه واحد برای حفظ صلح، د بیترف

تعمیق بخشند .
 ... ۶
 تردیدی نیست که اخراج و تصفیه معلمین انقلابی
 از مراکز آموزشی هرگز نمی تواند بیونندین دانش -
 آموزان و معلمین انقلابی را از هم بکشد. چرا که اگرچه
 رزیم با اخراج معلمین کمونیست و انقلابی از مدارس

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
پیکار (۷۳)
 تاریخ ۵۹/۷/۲ شماره ۱۰۰ سال
جنگ ایران و عراق برفع توده های دوکشورنیست

ضمیمه پیکار ۷۳ منتشر شد
بیانیه توضیحی
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
درباره "جنگ ایران و عراق"

و آموزشگاهها، ظاهراً این دانش آموز معلم انقلابی
 حادثی می افتند، اما هر دو آنها، صفوف رزمندگان و
 انقلابی خود را درست مبارزات کارگران، زحمتکشان
 و خلقهای مسین ما مستحکم تر نموده و دوش بدوش هم در
 راههای خلقها و زحمتکشان از قید ستم سیستم سرما به
 - داری وابسته بیگار میکشند ■

تعمیق بخشند .
 ... ۶
 تردیدی نیست که اخراج و تصفیه معلمین انقلابی
 از مراکز آموزشی هرگز نمی تواند بیونندین دانش -
 آموزان و معلمین انقلابی را از هم بکشد. چرا که اگرچه
 رزیم با اخراج معلمین کمونیست و انقلابی از مدارس

دانش آموزان انقلابی! فرزندان زحمتکشان!

پرچم مبارزات ضد امپریالیستی،

ضد ارتجاعی تان را برافرازید!

رژیم که در سراسر جامعه، فعالیت نیروهای انقلابی را در منشا نه سرکوب میکند، میکشد تا آزادی فعالیت سیاسی در مدارس را از شما سلب نماید.

رژیم که مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم را بخون میکشد، آماده است تا نظاهرات، اعضا بات و تحصنهای برحقان با بسیج جمافداران و شلیک تیرباران پاسخ گوید.

رژیم که گردستان را بمباران میکند و هفتان زحمتکشان را به توپ میکند، آماده است تا فریبکاران حق طلبانه تان را با اخراج از مدارس، زندان و شکنجه پاسخ گوید.

رژیم از ترس آگاه شدن توده ها، دانشگاه را میبندد و میکشد با ایجاد جو خفقان و تفتیش عقاید از گسترش آگاهی تان جلوگیری کند.

اما مبارزات انقلابی شما جزئی از مبارزات تمامی خلقهای میهن بر علیه ارتجاع و امپریالیسم است:

- مبارزه برای لغو تبعیضات نام آریا مبری، شهری و د و نوبتی کردن مدارس.
- مبارزه برای جلوگیری از اخراج معلمان و دانش آموزان انقلابی بجرم عقاید سیاسی و مبارزه با تفتیش عقاید در مدارس.
- مبارزه برای نابودی فرهنگ استعماری و کوشش در جهت بازگشایی دانشگاه.
- مبارزه در جهت پیوند مبارزات تان با مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن و بخصوص خلق ستمدیده کرد.
- با مبارزه فعال با امپریالیسم و ارتجاع در سال تحصیلی جدید با شعار افشاگری! سا زماندهی!

قاویت سراسری به پیش!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۶/۳۱

سری ب - ت ش ۷۲۰

< ملاحظات کوتاه >

از روزنا مه انقلاب اسلامی ۳۱ شهریور ۵۹
آیا این هم زخمات "رسدگی های غفاری" به وضع
کتاب و روزان شامل نیست؟

فآر امیهای دیروز
قائم شهر
یک نفر کشته و
۸۰۰ نفر زخمی
بجای گذاشت

صفحه آخر

فآر امیهای دیروز - خیرگاه انقلاب اسلامی
در این محله و پاساژ خیابان -
در این محله و پاساژ خیابان -
نهای قائم شهر از پوسترهای
نیلیماس و کوسکا و گکهای
نشریات غیرحزب گروههای سیاسی
بین هواداران گروههای سیاسی
و مردم درگیری ایجاد شد که در
این درگیری شخصی بنام محمد
حسن صادقی کشته و حدود ۸۰۰
نفر زخمی شدند. در صفحه ۱۱

دیگ به دیگ میکه روت سیاه!

زمانی بود که کمونیستها میگفتند بزودی وبا زرگان
و دیگر لیبرالها با امپریالیستها سازش و مصالحات
کرده اند اما حزب جمهوری اسلامی و نیز آیت الله خمینی
شدیدا از این آقا با ن حمایت میکردند و متحدان بر علیه
انقلابیون عمل میکردند. اما حالا که دعوا بر سر قدرت
اوج گرفته است، دوستان دیرین دست هم را در میکنند
بهشتی وبا زرگان، دوستانی که با هم پیش زینال هویز
آمریکائی میرفتند و برای جلوگیری از پیشروی انقلاب
و در واقع برای حفظ منافع امپریالیسم متحدان سوگند
یاد میکردند حالا بر سر تقسیم "غنائم" بجان هم افتاده اند.
بدین ترتیب است که در پنجشنبه ۲۷ شهریور
نمایندگان حزب جمهوری دست بزودی وبا زرگان را در
ملاقات با سرژنیسکی رومیکند و بزودی هم دست بهشتی را!
جریان خیانتی بزودی وبا زرگان و... را بارها
در پیکار افشا کرده ایم، اینجا جریان "نصایبهای
دیپلماتیک" آقای بهشتی "فدا امپریالیست" را با
جانوسان آمریکائی از زبان وزیر خارجه دولت موقت
آقای بزودی بخوانیم.

بزودی گفت:

"همان زمانی که ما بنده وزیر امور خارجه
آمریکا آمده ایم، غیر از وزیر خارجه خلی آقا با ن
دیگر ملاقات نکرد... شما به وزیر امور خارجه نمان
اعراض می کنید که چرا ما یک دیپلمات خارجی ملاقات
کرده ولی شما نکند در مقام میسوند، روی چه مجوزی بنا
اینجا ملاقات کردند؟ بنده از شما سوال میکنم آقای
بعده در صفحه ۱۸

کارگران! زحمتکشان!

از خواسته های فرزندان تان،

دانش آموزان انقلابی حمایت کنید!

فرزندان تان، دانش آموزان انقلابی خواهان آزادی فعالیت سیاسی هستند تا بتوانند از حقوق زحمتکشان
دفاع کنند.

آنها میخواهند شهری که بارگرا نی برد و شما زحمتکشان است و نیز د و نوبتی شدن مدارس که هدفی
جز مجدد کردن فعالیت سیاسی دانش آموزان ندارد لغو گردد.

آنها از تبعیض نامهای آریا مبری که از سوی رژیم به آنان تحمیل میشود دبیزارند.

آنها تفتیش عقاید در مدارس و اخراج معلمان و دانش آموزان مبارز را بطر عقاید سیاسی شان را نمیخواهند
ببیزارند. آنها میخواهند دانشگاهها این سنگر آزادی باز شو د تا دانشجویان انقلابی بتوانند به آگاه
کردن توده ها بپردازند. آنها میخواهند خلق کرد به خون کشیده نشود و مبارزات کارگران و زحمتکشان
سرکوب نگردد. آنها میخواهند سرمایه داری وابسته نابود شود و بدین خاطر در معرض هجوم رژیم جمهوری
اسلامی قرار دارند.

کارگران! زحمتکشان!

شما باید از این خواسته های برحق پشتیبانی کنید. از هر راهی که میتوانید: با تشویق فرزندان تان به
مبارزه، با شرکت در مبارزات برحق فرزندان تان، با افشای اقدامات رژیم در مدرسه، کارخانه، و مزرعه و...
فرزندان تان خواهان این پشتیبانی هستند.

مبارزات دانش آموزان انقلابی جزئی از مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی خلقهای میهن ما است.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۶/۳۱

سری ب - ت ش ۷۴۰

آزادی فعالیت های سیاسی حق مسلم دانش آموزان و معلمان انقلابی است

بعد از صفحه ۱ جنگ ایران...

۱- توده‌های مردم را با راجحانهای اقتصادی و سیاسی بخان آمده اند، رژیم حاکم که با توان از حیل و ستمات متعدد با معوز و جنگیان است میگوید تاسا در شرایط جنگ ایران و عراق انتظار نداشته باشد که با حاد جاد مع منحرف ساخته و آنرا را میوه یک مالسه خارجی نماید. و در همان زمان برای جلب توده‌های نا آگاه و منززل بدور خویش به تبلیغات تونستی شورزوری و مذهبی پرداخت. رژیم میگوید از طریق براسکیخاس احساسات مردم اغرا با حاد و مبارزات آنان را به اسراحت نکند.

۲- موضعیت برای حکیم مومع لبرالها نیز فراهم ندهد است. لبرالها که در اس او ا حردا سمد "حفا نیت" می حود را برای حل ساله کروکا نیا و حدید روابط با امیرا لیم آمریکا حنا ح رفیت "سرفیم" منگردند و آنرا علیرغم بدکوسینها و فحاشی ها سان "نا جادی بر سر عمل" آورده بودند، از موضعیت حکمی استفاده کرده، نه تنها تعاریف "ملی" تان را که نسا دیروز کفر زود شده "بود سرزری نیا اندا حنا بدلیکه مسئولیت امور جنگی را هم برسانندگی "امام" بدست آورده اند.

۳- برای انحام بخندن به ارتش، موضعیتی بهر از اس تا کتون برای رژیم جمهوری اسلامی فراهم نیا مده است. اس همان ارتشی است که امیرا لیم آمریکا - به اعتراف آخوین سفیرش در ایران، سولوان - نهایت تلاش خود را در آستانه عقب نیا مپیم ماه نگا برسد تا از تانسی آن جلوگیری کند و با اعلام وفاداری ارتش به رژیم جدید کتر قدرت آن را برای "رورمادا" حفظ نماید. (رجوع کنید به پیکار ۲۲ مورخه ۲۲ سپتور) ارتش آمریکا نیا ماه که چیزی جز اسرا ر سگوب جنین توده ای در داخل و خارج کشور در زمان ماه نبود پس از ماه نیز عید هادار همین نقش کرد و رژیم جمهوری اسلامی که جنین جفا و سرکوبی نیا زمیر مده است بنیترین اسنا رها رابه آن داد. فرمان آیت الله خمینی مورخه ۱ مهر ماه جاری از اس لحاظ کدیبه ارتش اسجنین بال و سر مید هاداری فو القاد را بسا ن نمیدارد. آیت الله هیوار ه سیروهای انقلابی و کمونیست را که خوا سنا را نخلال ارتش آمریکا نیا ماه بوده و از وجود عا مرسر سیرده ای نظیر مدنی، سا کسر، غلوی، توکلی و غیره فریاد اعتراف با اسنا گرا نه خود را بلند میگردند، مورد حمله و تکیه بر سرکوب فرار داده است. آیت الله هرگز به این سوال پاسخ ندهد است که مگر فرماندهان خائن ارتش - که از چند نفر تان نام بردیم - مورد عفو عا با ح ماه "اونسوده اند" و مگر نده ای است که کودتا کران آلت دست آمریکا و مردوران همدست با نده ای بخنا روا و بی همگی به سرکوبت موضعگیری ند کمونیستی و صانقلابی تان و در کسوف حجاب رژیم جمهوری اسلامی نوا نسه بودند به جنین امکانی برای کودتا دست نیا بند؛ آیا زنده ساران کودتا و کسانیکه سیروهای انقلابی مدعی خلق رابند حرم اغرا ن به سازش با عمال امیرا لیم در اسرا ن مورد کفر و اسوا ع فسا ر فرار داده اند. در انحام اس نوبطنه های مدخلی سیمی نده اند؟! آری، امروز جنگ ایران و عراق این امکان رابه دست داده اند! ارتش مزدور فو نیت بود، جنگ با عراق موجب

بد که ساهما حها حها ای حبا ح حاکمه سمد با نعبوت ارتش سردا رید. ارتشی که نیا ر حرد موز د فرت توده های مردم ماست. اندامات سود نفوت ارتش از طرف سنی مدرکبه منظر جنین لحظاتی بودا به با رازی ارتش سردا رید آغاز شده است. سنی حصیروهای ذخیره سال ۶۵ رافرا - خواند، سیرا حمله عراقی به فرودگا های کسور، راد سولویو سیروین دست به تبلیغات سرما آوری بسود ارتش زدند. سرودها، مباحثه ها و تفسیرهای فراوانی بحس نده، مباحثه های که در آن ارتشیا ن مزدور از مردم کله میگردند که حبا ناسر "ما فقتن" و "ما نلاسون" ارتش را کودتا می و دست پرورده آمریکا سمد اندکوشی مردم ما نفس خاسنگا رابه ارتش در ۱۷ سپتور و نقتش فلاحی ها و طهمیر سزا دها را در سرکوب کردسان و سرکمن - صحرا ربا ندرده اند؟

عمال حرب جمهوری اسلامی سیرا ر حنا عقیب نسا بندند و به حیر کوشی ارتش پرداختند. حرا الدین - حجاری که در تبلیغات لاشی دار در در مجلس نیا نسا - کوشی ارتش پرداخت و حامندی همد مجلس به وصف اعدا مات مستعدا در اسر با داحت (روزنا مدها اطلاعات هم که سیرتغود حرب جمهوری را در ارد در مفا لسه ۳۱ سپتور به نعل نعمندار سان خا ننگا رپرداخت، حمی نیا ز در سطح خود به آن که به ارتش میگوید سالی جشن اسروین، سمدیدا حمله کرد و بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی در فرصت بدست آمده در حقیقت نفوت اهریمنی ترین نیا دسما به داری وابسته ایران پرداخت و شروع به تیر کردن دندانهای ارتش مردوز آمریکا نیا نمود.

۴- اما به سیرا ر همد اسنا استفاده ای است که کلید حها حها ای رژیم مدخلی از اس موضعیت جنگی در حین سرکوب انقلاب و سیروهای کمونیستی و انقلابی می - نسا بند؛ در حقیقت هدف سرکوب انقلاب توده ها نفس بر حنا ای در سان اهداف رگزیم دارد. رژیم که ما نیا است نیا حاکم سیرده خود را به کار زکران و زحمتکسان و سیروهای انقلابی افزایش داده است. کوشید اسنا حها سیروهای ارتش عراقی نیز در حقیقت سنا ت سرکوب انقلاب استفاده کند، همچنانکه از ناسه فار ب بسوان عامل نوهما فرا سوجست، نیا به حدید نوا بپردازد و سیر دست به سرکوب انقلاب بزند که حه اسن سار حمر ما نیا تبلیغات گسترده و فریادها رابه خود دست به سرکوب میزند، سرعکس زمان عا رت که مدت کونا حمی به سنا سنها ای لبرالی نیا به برده بسود، اکتون حمر ما نیا نوهما فرا شتی به سرکوب می پرداخت. نگاهی کونا ه به سنده ای از اس اعدا مات سرکوبی که رژیم سرعلسه ر حمتکسان و انقلاب می اندازیم:

۱- سمد سر کوب خلق کرد: رورما مده ای رژیم در سده و حوصو د سنده و نه - سمد، اردر کسرها و اعلام سده ای سدا و غلاظ رژیم سیر علیه خلق ما رز کرد حنا ت ناسا. اول سنا سوم ارتش مدخلی به انقلابیون مینا ناسا دوس سمدی حجت، هبات - حاکمه را سیرا زینت رسوا میگردن تا سمد هکده آنچه برای رژیم در در حاد اول اهمیت فرا راد در سرکوبی انقلاب است و سیرا زان مفا نلهما عراقی، در عیرا سورت ارتش جمهوری اسلامی در کردسان حه می کند و حترادر عوین حصور در مررها، سیرهای کور سیتی حون مینا باد رابه سوب می سمد، "آحر مکرده ای است که خلق کرد

برای خود محنا ری در جا ر حوب ایرانی مستقیل و دمکرا نیک نیرد می کند. سیر برای رژیم سرکوب کردستان مهمتر است در نهایت با رژیمهای مدخلی ارتقا ش عراق با زدو بند میبوان کنارت آمد، اما با توده های انقلابی نه، پس لازم است که از این شرایط برای سرکوب بیشتر انقلاب استفاده شود. این است سیاست رژیم جمهوری اسلامی."

۲- سرکوب خونین در قاشم شهرواداهه متها جم به سیرهای شمالی:

اوباش حزب الهی، حزب جمهوری و سنا هها سداران فاشم سیرو هه نیا دها ای صانقلابی رژیم، متحد اسرا ی جمع آوری بساطهای کتابغروشی و جلوگیری از فعالیت سیاسی کمونیستها و معاهدین به سیروهای انقلابی حمله ور شدند، اس سرکوب و حنا نه طبق آمار حود رژیم یک نفر کشته و ۸۰۰ نفر زخمی بجای گذاشت.

در حقیقت هفته گذشته نیز ما نند هفته ای قبیل رژیم متها جم حود را به سیروهای انقلابی در شهرهای شمالی کشور افزایش داد، به دلیل آگاه نسی توده - های اس شهرها و یگا وسع توده ای سیروهای انقلابی، رژیم با استفاده از شرایط کوشی جنگ با عراق نیا جم خود را به انقلاب در آن نوا حی گسترده تر کرده است اسین حلات در شهرهای دیگری ما نند لها جان نیز اده ما با فتنه است.

۳- رژیم حاکم از موضعیت استفاده کرده و از نسبت دادن دروغترین و فحاشانه ترین اسنا مات به سیرو - های انقلابی و کمونیستی عاقل نمی ماند، اما جمعه سار با سنی بسا رسوین آمزینست به سرمد خطاب به سیروهای انقلابی حطرا می کند که "اگر دست از انقلاب بستان نیردا رید مردم را به ان شما حوا هما نداخت!" فلسفی واعظ معروف دربارا ناه و همفره سیمید - راهدی با یک سخنرانی برای نظامیان در اول مهر ادعا می کند که کمونیستها و سیروهای انقلابی عا سمل صفهای طولانی جلوی ناسا شینا و سیمهای سترسین هستند! جنین ادعاشی را مفا مات رسمی سیرا رها از رسا نه های گروهی نگرا کرده اند و روزنا مه جمهوری اسلامی آن را در مفا اول ناسا سیر فریاد آورده است. علت صف طولانی را عمدنا با بد زنی، عنامدی مردم سیت به ناسین مواد ضروری زندگی سوب رژیم از یک سو و اجنکارا حاس مورد سنا ز مردم از طرف سرما به داران و "حاحاحترم" از سوی دیگر حستونمود.

رژیم کوشیدنا را هیمنا شتی اول مبر سوب دانش - آموزان را با استفاده از حوا صله از جنگ ایران و عراقی به سنا هراسی علیه سیروهای انقلابی و کمونیست سمدل نماید. و به زور به ذهن نوجوانان حغه شود که کمونیستها و معاهدین همان صانقلاب هستند! هر چند اس حنا رنگی ندارد، ولی، خود واقاحت کسانیکه رانسان سده هکده برای خدمت به منافع طبقاتی خویش که در انطباق با منافع امیرا لیم و سرما سده داران وابسته و زمینداران، فرار دارا ذه ح خبانتی فرو - کدراسینند.

در فرمان اما مورخه اول مهر مستخما روی اسین موارده که موبد مطالبی است که کفینما کیده نده است: * شمرکز سیروهای سیرتربترین صدر که امروز نیا هگاه لبرالی است و جلوگیری از دخالت دیکران در صنمات بقیه در صفحه ۱۸

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!

هنرمقاومت هنرپرولتری



«نقد فیلم «مبارزین باسک»: رویزیونیسیم علیه آوانتوریسم»

در قسمت نخستین این بحث، بعنوان مقدمه، نگاه‌های به‌تاریخچه مبارزات مردم اسپانیا و خلق باسک طی قرن اخیر را خلاصه می‌کنیم. همچنین به انحرافات که در درون جنبش کارگری و کمونیستی اسپانیا و باسک پدید آمد، منجمله آوانتوریسم و تروتسکیسم، اشاره کردیم. اکنون به داستان فیلم می‌پردازیم.

داستان فیلم

همان‌طور که گفتیم فیلم در مورد گروهی از مبارزین باسک است که به مبارزه مسلحانه جدا از زوده می‌پردازد. فیلم با صحنه‌ای از مراسم تقدیم فرانکو، در سال ۱۹۷۵ آغاز می‌شود. گوینده به آوازیک دوره جدید در زندگی مردم اسپانیا اشاره می‌کند. سپس فیلم آغاز می‌شود. زمان سال ۱۹۷۸ است. زنی از دوریک مرد را تعقیب می‌کند. پس از لحظاتی در خانه مرد که «چایی» نام دارد معلوم می‌شود که آنها زن و شوهر بوده و زمانی در یک گروه مخفی چریکی فعالیت می‌کردند. اکنون مرد به مبارزه خود همچون سابق ادامه می‌دهد و زن می‌کوشد به او بپیوندد که راه مبارزه و راه درستی نیست. این برخورد منجر به یادآوری گذشته می‌شود. وقتی صحنه‌هایی با زکشت به عقب، ما «چایی» را می‌بینیم که در مدرسه درس می‌خواند و از آنجا با سستی که بر مردم باسک می‌برد آشنا می‌شود. معلم مدرسه «چایی» و رفیقش را به شدت تنگ می‌زند و آن‌ها می‌خواهند به زبان اسپانیا نوبلی حرف بزنند. صحنه‌ای دیگر این دوران در حال نوشتن شعر نشان می‌دهد، سپس در صحنه‌ای دیگر کشیشی در کلاس درس از فشار روبه‌عالتی و فشار روحیانه‌ای که بر مردم باسک سوسیلر رژیم وارد می‌آید صحبت می‌کند و اعلام می‌کند که دیگر قافا در نیست آرا می‌پوشند و ناچار است برای مبارزه از کشیش بودن دست بکشد. سپس در ۱۵ سال بعد ما شاهد صحنه‌ای هستیم که یک جلسه مخفی از انقلابیون باسک را نشان می‌دهد. «خوزه» - کشیش سابق - رهبر این گروه است و آنها در مورد طرح ربودن ژنرال «کاره‌رو» دربارا دارفا لائزیت دشمن بیرحم انقلابیون حرف می‌زنند تا به این وسیله گروهی از زندانیان سیاسی را آزاد کنند. با اشاره یک دسته‌دار و طلب به رهبری «آزارا» یکی از افراد گروه، به «مارید» می‌رود، وقتی حوادثی با اشاره تصمیم به کشتن ژنرال که به نخست وزیر منسوب شده است می‌گیرند موفق می‌شوند. با زفیلم به سال ۱۹۷۸ به همان خانه‌ای که چایی و همسرش در آن با هم ملاقات کردند مونتاز می‌شود. «چایی» بیرون می‌رود و در حین انجام عملیات ترور علیه دو پلیس، خودش زخمی می‌شود. فیلم در بیباستان و زمانی که همه دوستان سابق که اکنون دیگر از موضع سازشکارانه رویزیونیستی مبارزه به

شبهه سابق را قبول ندارند و بر باین چایی حاضر شده اند، پایان می‌گیرد.

معرفی یک گروه آوانتوریست (ماجراجو)

چیزی که در حله اول جلب نظر می‌کند کوش «خیلو» - به نوشته کوزوگا - را گردان فیلم در تصویر کردن افکار، روحیات و خصوصیات آوانتوریستی و ماجراجویانه این گروه از مبارزین باسک است. در واقع، طی صحنه‌های متعدد، دوربین در بیان نشان دادن این امر است.

چنین گفته‌ای درک سربا با ایده لیستی «چایی» را نشان می‌دهد و دارای آن نوع تفکر خرده بورژوازی است که تصور می‌کند با راه دیکتاتوری خشن فرانکو به بنا به مقتضیات عینی جامعه و ضروریات سیستم آن، بلکه برای وجود این یا آن فرد یا یک ممکن است به سربای همین نمی‌توانند دریا بکنند تا بودی رژیم فرانکو تنها طی مبارزه طبقاتی و بدست توده‌ها و با سرنگونی قهر-آمیزا کمیت طبقاتی ارتجاعی طی مبارزه مسلحانه توده‌ای مقدور است نه با کشتن جان نشین فرانکو! چنین درکی، جزیک استنباط اراده گریانه (ولونتاریستی) نیست. گویی همه چیز به اراده وجود فرد بستگی دارد. نظم فطرتی گویی حاصل میل و اراده «فردان» است و بنا بودی آن همه تا بل و اراده این یا آن فرد مربوط می‌شود. گویی کافیت فقط «کاره‌رو» کشته شود تا دیکتاتوری خشن فرانکو با کده را صل دیکتاتوری طبقه‌ای علیه طبقات دیگر است تا نبود شود! چینی-تصویراتی بسیار شبیه به طرز تفکر سوسیالی رولوسیونرها دبره، رفیق احمدزاده... است. و ما را به یادگامی می‌اندازد که لنین آن را اینگونه ترسیم می‌کند: «وظیفه ما نابود کردن همگی افراد لاهو و حتی حکومت مطلقه با تنها وسیله‌ای (است) که حکومت مطلقه بر ایمان باقی گذاشته است» (لنین آوانتوریسم انقلابی).

۲- مثنی جدا از توده

«مبارزین باسک» نه تنها به مبارزات توده‌ها و در رأس آن‌ها به مبارزه طبقه کارگر ایمان ندارد بلکه عمیقاً دارای مثنی جدا از توده بوده و روحیات آن‌ها هم

- کارگردان «مبارزین باسک»، «جیلیوپوئه کورو» که زمانی عضو حزب رویزیونیست ایالتی بود، مریزندی با مثنی انحرافی و خرده بورژوازی رانه از زاویه کمونیستی بلکه از زاویه ای بورژوازی و ضد انقلابی انجام می‌دهد. این کارگردان قبل از این هم نشان داده بود که چه علاقه فراوانی به تبلیغ مثنی بورژوازی داشته و تا چه حد از انقلاب بیزار است.
- یکبار «چایی» و «آزارا» رهبر دسته، در حال گشت از مبارزه کارگران و اعتصاب و نظا هرات دانشجویان با خبر می‌شوند، لیکن آنها نه تنها ارتباطی با این مبارزات توده‌ای ندارند بلکه شدیداً نسبت بدان بی‌توجه‌اند

۱- اراده‌گرایی

در بخش اول، کارگردان، طی گفتگوی «چایی» و همسرش، «چایی» را یک انقلابی جدا از توده و ماجراجو معرفی می‌کند و در صحنه‌های با زکشت به گذشته نشانگر به نحوروشنی به این خصوصیات «مبارزین باسک» پی می‌برد. آن‌ها به مبارزات توده‌ها توجهی ندارند و در ابتدا مسئله‌ای با آن‌ها در گیری ژنرال است و در این میان «چایی» آئینه تمام‌نمای تفکر و تفکر و تفکر - ان انقلابی ماجراجوست که در مقابل جریان خود به خودی و خشم و غضب فوق العاده تشن روشن فکرانسی که نمی‌توانند با امکان ندادن فعالیت انقلابی ربا نهضت کارگری در یک کل واحد پیوندند «سرفرود» می‌آورد. و همچون کسی است که «ایمانش از این امکان سلب شده یا هرگز به ایمان نداشته است و برای همین «حقیقتاً برایش دشوار است بجز ترور را دیگری برای القاء احساسات خشم‌آگین و انرژی انقلابی خویش بیابد» (داخل گیومه از لنین - چه با یاد کرد)

بشدت با توده‌ها بیگانه است، ما با چنین پدیده‌هایی در دوران مبارزات مسلحانه جدا از توده در ایران به طور روشن آشنا بودیم. رفیق پویان در کتاب خود آن - چنان نسبت به مبارزات توده‌ها بی‌اعتنا بود که هر نوع امکان مبارزه توده‌ای را نفی می‌کرد و رفیق احمد - زاده همین نظراً تعمیق میداد و با لاف در دوران غلبه مثنی چریکی نتیجه‌گیری می‌شد که انقلابیون باید جدا از توده‌ها به مبارزه بپردازند.

در فیلم هم ما به صحنه‌های فراوانی که گویای چنین بریدگی آشکاری از مبارزات توده‌ها و عدم پیوند با آن - هاست بر می‌خوریم. یکبار «چایی» و «آزارا» رهبر دسته، در حال گشت از مبارزه کارگران و اعتصاب و نظا هرات دانشجویان با خبر می‌شوند، لیکن آنها نه تنها ارتباطی با این مبارزات توده‌ای ندارند بلکه شدیداً نسبت به آن بی‌توجه‌اند. «سویژه» «آزارا» سه گونه‌ای به این مسئله برخورد می‌کند که گویی اتفاقاً نیفتاده و مسئله به آن مربوط نیست.

یکبار هم وقتی «چایی» برای خرید بیرون می‌رود، با یک اتوبوس پرا ز مردمی که به پیک نیک می‌روند و سر - گرم خواندن آواز زنده‌سیر می‌شود. چایی در موقع باز - گشت شدیداً با آن آلودونان میدات و در جواسوب - دوستانش که از او علت تغییر حالتش را جویا می‌شوند می - گوید روزهای یکشنبه‌ها است چون همه به تفریح و



نامه‌ای از ت.ک. کارگر نظافت‌چی

این روزها نامه‌های یک کارگر نظافت‌چی بدست ما رسید. این نامه که متن آن را برای شما می‌آوریم. علیرغم سادگی و کوتاهی اش حاکی از یکدستی و رنج زندگی و سعی است که نه تنها توسط رژیم سرپرده پهلوی بلکه توسط رژیم جمهوری اسلامی که تبلیغات "عدل و قسط" اسلامی او اقمی نقاط جهان را پر کرده است بر این کارگر زحمتکش و مبلبوسها زحمتکش دیگر نظیر او زفته است. این کارگر جوان و در عین حال آگاه، بد رستی تکیه میکند که "هر دولتی که آمده است تنها به منافع پولدارها نگاه کرده است" و "هیچکدام به درد - دل مستضعفین نرسیده اند" و بد رستی ملاک خود را در شناخت این رژیمها نه تبلیغات آنها و نه به اسلام می‌بندد و با نبودن آنها بلکه به منافع طبقاتی این رژیمها و این که آنها منافع چه طبقاتی را بر آورده میکنند و با چه طبقاتی دشمن هستند، قیاس می‌کند. نکته مهم دیگری که این جوان زحمتکش روی آن انگشت می‌گذارد، ضرورت کارگرها که نه تنها زحمتکشان و آگاهها هستند آنها نسبت به رژیم است که بر آنها حکومت میکند، سستی که از جانب این رژیم بر آنها می‌رسد و چونگی "بدست آوردن حق خودشان از پولدارها" است و دست آخر خواستار شدن او از ما که در انجام این وظیفه کوتاه باشیم و "از این به بعد به زحمتکشان توجه و تبلیغات بیشتری بکنیم..."

به امید آنکه سازمان ما توانسته باشد آنچه را که این عنصر زحمتکش از ما خواسته است، به انجام بیاورد و با درود فراوان به این کارگر جوان و آگاه! متن نامه: سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر:

من یک فرد نظافت‌چی هستم و ۲۳ سال هست و تا این سن دردهای زیادی کشیده ام و در این مدت دولتهای زیادی هم در این مملکت روی کار آمده اند ولی هیچ کدام به درد دل ما مستضعفین نرسیده اند زیرا هر دولتی که آمده است تنها به منافع پولدارها نگاه کرده است از شما خواهشمندم که از این به بعد به زحمتکشان توجه و تبلیغات بیشتری بفرمایید و آنها را آگاه کنید و از بدبختیهای که برایشان بوجود آورده اند تا در بدست آوردن حق خودشان از پولدارها موفق باشند.

ت.ک

امضا

رفیق دانش آموز "می"

نامه‌ات رسید. در خواستها و انتقادات تو تنها ما بجا و واردات. در مورد تشریح تئوریک و تحلیلی از مرحله انقلاب و تفاها، ما هیت حزب جمهوری اسلامی و... هم بطور که در شما راهی گذشته و در همین صفحه "پایخ به نامه‌ها" نیز اشاره کردیم، با دیدگوشیم که در رابطه با تصمیمات کنگره اخیر، سازمان در کناره تشریح تبلیغی - سیاسی (پیکار زکونی) یک تشریح تئوریک - سیاسی نیز خواهد داشت. همچنین در اولین فرصت

محموبات کنگره در باره مرحله انقلاب و... در سطح جنبش منتشر خواهد شد. نسبت به ما بر موازیدیکه تکیه کرده بودی نیز گوش خواهم کرد تا در اولین فرصت بدان پاسخ لازم را بدهیم. در خاتمه با دیدرغی و دانش آموزان بگوئیم که علیرغم تا کیدات ما، اسم خود را پای نامه‌اش نیاورده بود. دست‌نور میفشاریم، با زهم برای ما نامه بنویس

رفقا و از کج:

نامه‌تان رسید. بر خورد فعال رفقا نسبت به موضوع کربیه و مبارزه با دولثولیک سازمان قابل تقدیر است. تا کید شما نسبت به مرز بندی با رویزیو - نیمه به جانی و کرا با تا آن، در کناره رزویزیو نیمه خروخجی، در مونتون مبارزه با دولثولیک، تا کیدی است بجا و درست که مورد توجه قرار خواهد داد.

در مورد ما حبه رفقا شراب حق شناس و حبیبین روحانی، انتقاد کرده اند که چرا علیرغم تذکر رفیق حق - شناس که تمیج و ادو، رده ختشی از مذهبی شود در پیکار ۷۲ عملا این کار بر عرصه و این کار در رستی نیست آنهم در یک ارگان سینمایی - سیاسی و آفا کرده اند که "این مساله بجز ما من زدن، به اختلافات و تفاهای درون خلقی و ایجاد بدبینی کار دیگری نمی‌کند... خط ما حبه با بدحول افشای حاکمیت موجود با شنده اشبات حقانیت ما رگسیت شدن سازمان برای مجاهدین که ما حبه این شماره عمدتا به پیش می‌برد".

رفقا! اول با دیدگوشیم که به دیدگا ما این مباحثه از همان ابتدای کنون علیرغم آنکه در بسیاری از موارد با مذهب و روحا شیون برخورد میکند (و این بسا توجه به موضوع ما حبه اجتناب ناپذیر بوده) و لسی همواره این برخورد به صورت مجرد و مستقل از مواضع طبقاتی، بلکه مشخصا در رابطه تنگ با مواضع و منافع طبقاتی صورت گرفته است. در همین رابطه ما حبه هیچگاه مذهب توده‌ها و توده‌های مذهبی را مورد برخورد قرار نمی‌دهد و آنچه را که بر روی آن تکیه دارد اساسا مواضع و عملکردهای روحا شیون بزرگ و از جمله آیت الله خمینی و آنهم از مواضع طبقاتی آنان است. البته در اینجا و آنجا، ما حبه، مساله مذهب و تقش آن را بطرح فلسفی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد که با زبه دیدگا ما بر داختن به این مساله تنها مورد ابراد نسبت و نه تنها بمعنی ما من زدن به اختلافات و تفاهای درون خلقی و ایجاد بدبینی (آنطور که شما تصور میکنید) نمی‌باشد، بلکه امری است که از نظر ترویجی (و بخصوص در شرایط کنونی چه بلحاظ نقشی که مذهب در باقی توهم توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دارد و چه بلحاظ نقشی که در دیدگا ما بلحاظی سازمان مجاهدین داشته و دارد) با بدیدان اهمیت ویژه‌ای دارد و به اعتقاد ما سازمان در این مورد حتی کمکاری نیز داشته است و با بدیدر جای خود به این مساله بپردازد.

در مورد پیشنهادتان نسبت به برخی شماره‌ها، ما این مساله را در اولین فرصت بطور جداگانه و در توضیحی که نسبت به "شماره‌ها" در پیکار خواهد دادیم مورد توجه قرار می‌دهیم.

پیشنهاد آخر شما راجع به اهمیت برخورد افشای رادبوهای خارجی از جمله رادبوهاد، کاملا اصولی بوده و ما میکوشیم نسبت به این مساله بویا ده کسردن پیشنهاد شما برخورد فعالتری بنماییم. در پایان با بدیدان تذکر را به رفقا بدهیم که علیرغم تا کیدات ما با زهم رفقا امشان را بسه

حروف خارجی نوشتند!

دستان را بگرمی میفشاریم. بیروز با شید!

رفیق دانش آموز از غرب تهران

نامه‌ات رسید. پیشنهادت از رزنده و مشبست و برخورد فعال تو با امر تبلیغاتی سازمان قابل تحسین است. در پاسخ نامه‌تو با دیدگوشیم که پیشنهادت اول تو که جوهر آن را "تبلیغات زنده و بسوق" و بقول لنبنین: "مخ مجرم‌ها هنگام ارتکاب جرم گرفتن، تشکیل میدهد، بخصوص در این اواخر مورد توجه ما قرار گرفته و بسا برخورد انتقادی نسبت به گذشته در این زمینه می - کوشیم تا ملزومات و سازماندهی لازم را در این رابطه بوجود آوریم. طرح پیشنهادی تو را نیز در همین رابطه مورد توجه قرار خواهد داد.

پیشنهاد دوم تو یعنی متن تبلیغی کوتاه در پیکار جهت بازگشیرا و زایلیدنوسی و... را نیز مورد توجه قرار خواهد داد.

در پایان از رفیق دانش آموزان ما میخواهیم که بعد از این نامه خود را بدون اسم برای ما نفرستند. با زوده‌های گرم و به امید پیروزی!

نقد...

گذر می‌روند و بعد در باره می‌زند که تا آن اعلان متوجه نیستند که از ادبخواهان زندانی هستند و اگر ما فریاد بزنیم که با یک را میخواهیم از آن کنیم توجهی نمیکنند یکی دیگر از دوستان "چاپی" حرف او را تا شنید میکنند و مردم ما در برابر بی غیرت میخوانند!

به این ترتیب مبارزین با یک توده‌ها را محکوم میکنند که چرا روزیکشنبه تفریح می‌روند، چرا آواز میخوانند، چرا به آن که خود میخواندندیه تنها بی با یک از آن دکنند! بی توجه اند و چرا بی غیرت اند! و این در حالی است که چشم خود را به مبارزه توده‌ها بسته اند

آناسیونالیسم خرده بورژوازی

این مبارزین بنا به ما هیت طبقاتی خودنه تنها در شیوه‌های مبارزه در اجرا فاند، بلکه اشکارا آلوده به ناسیونالیسم خرده بورژوازی اند. آنسان توجهی به مبارزات طبقه کارگر ندارند.

در همان لحظه ورود به ما در دیدگی از آنان میگوید که از ما در دیدش آمده است! رهبر گروه معتقد است که هوای ما در دیده مردم با یک نمی‌سازد، یکی دیگر از مبارزین، مردم با یک را بر خلاف مردم ما در دید با غیرت میخوانند! آنان در جای یک دیدگا ما خلقی خسرده بورژوازی در برخورد به مردم با یک هستند، کافی است هر چیز نشانی از "با یک" داشته باشد تا آنرا به حمایت از خود برانگیزد. به این ترتیب آنان با عدم برخورد طبقاتی به مبارزات استقلال طلبانه مردم با یک هیچ گاه قادر نیستند ضرورت پیوند مبارزات ملی را با مبارزه طبقاتی و همبستگی آن را با جنبش انقلابی پرولتاریا درک کرده و مبارزه برای استقلال و آزادی با یک را بسوی پیروزی رهنمون شوند. این مبارزات، خواهنا خواه، نطفه‌های شکست را در دل خود می‌پرورد. اما بیبنیم "جلیونه پیونته کورو"، کارگردان فیلم، این رزویزیونست کینه کار را با لیا شی از چه زاویه‌ای به نحرافات این مبارزات برخورد کرده و راه حل پیش - نهادهای او چیست؟

(ادامه دارد)

گوشه‌ای از تبارنامه خونین خلق درسنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تحصیل کرد و سپس وارد ارتش شد. بچه‌های محله اش او را با ورزشکاران و ورزشکاران و ورزشکارانی برتحرک میشناختند و پس از شهادت یک منافع دوستانه فوتسال بیاد او برپا داشتند.

رفیق همزمان با او جگری جنبش انقلابی خلقها از ارتش گریخت و در جواب پدرش گفت: "من نمیتوانم بر روی مردم مسلح بکشم!" پس از قیام مجدداً به محل خدمت (با دگان برچورد) برگشت و در حالی که با هواداران سازمان در ارتباط بوده فعالیت انقلابی و کارآگاهانه برداشت. آنگاه که فعالیتش لو رفت با ردیگر از ارتش فرار کرد و خود را به دفتر سازمان در سنج در راه بندوبست شور انقلابی و کارآیی و ملاحظت در روابط پیشمرگه‌ای سازمان ندهی شد. رفیق امیر سرانجام در تاریخ ۱۷ خرداد در جریان یک درگیری با ارتش ضد خلقی به همراه همسرش رفیق مسعود شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید مسعود ستایش

رفیق مسعود در سنج بدنی آماد و مستقر در تحقیق فواید انقلابی خلق کرد و پیشتر انقلاب دمکراتیک - فدا میریالستی خلقها ایران به مبارزه رو آورد در همین رابطه به صفوف هواداران سازمان پیکار (حوزه سنج) پیوست. از او مثل امسال بعنوان یک پیشمرگه زندگی خود را تمام کرد و خدمت پیروزی آرمان کارگران و زحمتکاران قرار داد. در جریان ۲۵ روز مقاومت قهرمانانه مردم سنج فعالیتش شرکت کرد. رفیق سرانجام در ۱۷ خرداد (سن راه کارمباران - سنج) پس از ساعت ۲۳ درملاور با ارتش ضد خلقی به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید کاک عطاء طاطائی

رفیق عطاء در سال ۱۳۴۰ در سنج بدنی آماد. وی در آگاه ساختن دانش آموزان و توده‌های ستم‌دیده‌گردد فعالیت شرکت میگرد. در جریان ۲۸ مرداد ۵۸ رژیم به کردستان: هواداران سازمان شد. سال آخر دبیرستان بود که با توجه به فعالیت و کارآیی اش اسلحه بدست گرفت و در صف پیشمرگان سازمان و همراه دیگر همزمان در روستاها به کار توده‌ای مشغول شد. رفیق سرانجام در ۲۵ خرداد ماه امسال طی یک درگیری با نیروهای مسلح رژیم در اطراف روستای "میرده" (درجاده سقز - بانه) به شهادت رسید.

پیکارگر شهید، رفیق محمود مسعودی

رفیق محمود یکی از هواداران پرشور سازمان بود که بعنوان مهندس در مجتمع فولاد اهو زاکارمی - کردخوارات انقلابی رفیق موجب شده بود که وی در دل کارگران منابع فولاد جای امنی بدست آورد. سرانجام در اوائل تیرماه در یک حادثه رانندگی (درجاده بروج) قلبش کبابان به پیروزی طبقه کارگری طبعاً زحمتکار با زانستاد. بقیه در صفحه ۱۸

جریان قیام برنکوه بهمن ماه همراه مردم قهرمان ایران در سنج و ساواک سلطنت آباد، یادگان غشرت - آبا دوکلانتری ۶ فعالان شرکت جست. در جریان یورش ارتجاع به کردستان (۲۸ مرداد ۵۸) در سازمان ندهی مردم مبارز سنج علیه رژیم شرکت نمود. و همچنین مدتی در گروه‌های اطراف با نه در جنگ مقاومت بمباراز به برداشت. رفیق به لحاظ شرکت فعالش در تشکیل بنک‌ها در محله‌های فقیرنشین، بویژه بنک‌های آباد، توانسته بود در قلب مردم زحمتکش این محلات جای امنی بدست آورد. سرانجام در تاریخ ۵۹/۲/۶ در حالیکه بینا پیش پیشمرگانی که جهت پاک کردن ساختمان استناداری سنج از هم‌دوران پیشروی میگردند، در حرکت بود به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید نجم الدین شیخی

رفیق نجم الدین در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای تشنگ دست بدنی آماد. در جریان او جگری مبارزات توده‌ها همراه آنها در حرکت‌های جمعی (نظرات، اعتصابات و تحصنات) فعالیت شرکت میگرد. پس از قیام بمباران یکی از عناصر برتر تلاش اتحادیه‌دقانی منطقه سقز در مبارزات دهقانی منطقه تیله‌کوه و تا زه‌آباد دوبا غچه - له فعالیت شرکت جست. به هنگام یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان (مرداد ماه ۵۸) در کنار مردم دلاور سقز قهرمانانه جنگید. در جریان یورش مجدد ارتش و پاسداران به کردستان، رفیق شیخی بعنوان پیشمرگه سازمان پیکار، به صف جنبش مقاومت خلق کرد پیوست و در سرکار ۱۱ اردیبهشت ۵۹ (اول ماه مه) در جریان یک ماوریت شهادت رسید.

پیکارگر شهید، رفیق احمد مؤذن

رفیق احمد در سال ۱۳۳۳ در دزفول بدنی آماد. در سال ۱۳۵۳ با رتبه اول به دانشگاه اهو از راه یافت. در سال ۵۵ ایدئولوژی طبقه کارگر را بعنوان یگانه راهنمای ظفرنمون رهائی خلقها و زحمتکاران پذیرفت. رفیق در جریان مبارزات صنفی - سیاسی دانشگاه اهو از در ردیف فعالترین دانشجویان قرار داشت. وی یکی از فعالین موثر در تشکیل دانشجویان م.ل و گشودن دفتر دانشجویان مبارز بود. رفیق از اولین کسانی بود که در تشکیل دانشجویان و دانش آموزان اهو از سازمان پیکار "در اهو از فعالیت شرکت داشت. در جریان هجوم وحشیانه مزدوران رژیم و حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه اهو از دستگیر و پس از شکنجه‌های جسمی و روحی فراوان در سرکار ۵۹/۲/۱۲ به جوخه اعدام سپرده شد.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید حسن فقیر (امیر)

رفیق امیر در سال ۱۳۳۶ در خانواده کارگری و در جنوب تهران بدنی آماد. تا سیکل اول دبیرستان در

رژیم جمهوری اسلامی، امسال را سال "امینت" نامید و بدین ترتیب در آستانه سال نو "مژده" سرکوب کارگران و زحمتکاران و نیروهای انقلابی، بخصوص کمونیستها را به سرما به داران داد. در این رابطه بیکاران را در اندیجک درود، ما هترو... بخون نشاند، خلقهای قهرمانان ترکمن و کرد را و حبس نه کشتار کرد. دانشگاهها را تعطیل و دانشجویان انقلابی را در سنج دانشگاه به گلوله بست و انقلابیون کمونیست را به سبانه‌های او ای به جوخه اعدام سپرد و با به شیوه‌های فاشیستی سرور نمود...

اما با اینهمه آش‌مقاومت و مبارزه انقلابی طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران هر دم شعله‌ورتر میشود و بهمره نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستهای بیکار و خستگی‌ناپذیر برچم خونین تداوم انقلاب را استوارتر و سرختر از همیشه در اهتزاز نگه داشته، به پیش میرند. بیکارگران قهرمانیکه فرازهای آرزندگی برپا رشان را در زیر ملاحظه میکنند ما بنده‌ها انقلابی و کمونیست دیگران پاکشان در نیمه اول سال "امینت" بدست رژیم با درگیری با مزدورانش و با حسین انجام وظایف انقلابی در راه تداوم انقلاب و تحقق جمهوری دمکراتیک خلق بر زمین ریخت.

با دانش زنده و خا طره‌شان جا و دانه‌ها!

پیکارگر شهید، رفیق حجت الله خوش کفا

رفیق حجت دانش آموزی ۱۳ ساله، عضوا و فعالین تشکیلات دانش آموزان اهو از سازمان در اندیجک بود. روز ۲۶ اسفند ۵۸ در آستانه سال "امینت" هنگامی که در اجتماع مردم مبارزان اندیجک در اعتراض بکشتار بیکاران آن شهر شرکت کرده بود، از ناحیه گردن هدف گلوله با سداران قرار گرفت و به شهادت رسید. رفیق در فروش نشریات سازمان فعالیت شرکت میجست و در زمینه طراحی نیز استعداد خوبی داشت. از وی طرحی بنام "پیش‌سوی ایجاد حزب طبقه کارگر" بیاگادارمانده که از طرف رفقای پیش در اندیجک تکثیر شده است.

پیکارگر شهید، رفیق مهناز معتمدی

رفیق مهناز معتمدی در شرکت نفت اهو ازیا شغل ماشین نویسی کار میگرد. سال ۵۸ در تحصن طولانی اما پیروزمندانکارآموزان ماشین نویسی پیمانی شرکت نفت اهو از نقش فعالی بعهده داشت. رفیق علاوه بر شرکت در مبارزات صنفی - سیاسی محیط کار خود، در مبارزات کارگران، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی نیز فعالیت شرکت میگرد. در همین رابطه در جریان وقایع دانشگاه اهو از به اسارت رژیم جمهوری اسلامی در آمودهنگاه میکه ساعت ۱/۵ بعد از نیمه شب پنجشنبه ۵۹/۲/۴ همراه عده‌ای دیگر از زندانیان از محل بیدارگانه انقلاب اسلامی به کانون کارآموزی زرگان منتقل میشد با گلوله یکی از پاسداران مزدور در خون خود غلتید و به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید

کاک عبدالکریم شربتی

رفیق کریم در سال ۱۳۳۴ در شهر بانه متولد شد. در

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

شهدا

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق مسعود ستایش

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق کاک عطا طاطاسی

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق حس فیسرا امیر

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق کاک عطا طاطاسی

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق محم الدین نسحی

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق کاک عبد الکریم شریسی

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق مسلم خلیج

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق طبیح حماد الدینی

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق مسعود ما لحي راد

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق مهدی علوی خوسری

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق مهنا ز معتمدی

بیتسمرکه فهیرما ن،
رفیق احمد مو' دن

**گوشه‌ای از تبارنامه
خونین خلق درسنگر**
سازمان پیکار
درواه آزادی طبقه کارگر
(در نیمه اول سال
امنیت)